کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

حقوق بشر؛ دغدغه همه ملتها

یافته های دوره آموزشی کاربردی حقوق بشر در دانمارک



تدوین :

محمد جعفر حبیب زاده


بسم الله الرحمن الرحيم

حقوق بشر دغدغه همه ملتها

یافته های دوره آموزشی کاربردی حقوق بشر دانمارک

تقریر: محمد جعفر حبیب زاده

کمیسیون حقوق بشر اسلامی

(تهران: سید خندان، خیابان سهروردی شمالی ،کوچه قرقاول، پلاک ۶)

تلفن ۴-۸۸۵۲۹۷۴۲

حقوق بشر دغدغه همه ملت ها (یافته های دوره آموزشی کاربردی حقوق بشر دانمارک)

تدوین : **محمد جعفر حبیب زاده** * حروفچینی، صفحه آرایی و طراحی جلد :

حروفچینی و انفورماتیک کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران* ناشر : **فارس الحجاز(عج)*** چاپ

شریعت* نوبت چاپ: **اول- بهار ۱۳۸۶*** شمارگان: **۲۰۰۰ نسخه*** قیمت: **۲۵۰۰ تومان***

شابک: ۱-۰۶-۸۷۲۸-۹۶۴-۹۷۸

همه حقوق برای کمیسیون محفوظ است.

انتشارات فارس الحجاز

حبیب زاده، محمد جعفر

حقوق بشر دغدغه همه ملتها (یافته های دوره آموزشی کاربردی حقوق بشر دانمارک)

محمدجعفر حبیب زاه؛ قم: فارس الحجاز(عج)، ۱۳۸۶

۱۲۸ص. قیمت ۲۵۰۰ ریال

شابک: ۱-۰۶-۲۸۸۷-۹۶۴-۹۷۸

کتابنامه بصورت زیرنویس

۱- حقوق بشر. الف عنوان

۷ ح ۸ الف / ۵۷۱ل GC

۳۲۳

"همه حقوق انساني جهانشمول، غير قابل تفكيک و بهم پيوسته و در هم تنيده هستند . جامعه بين المللي مي بايست به روشي منصفانه و برابر و با تاکيد يکسان و هم پايه، بنحو جهاني به حقوق بشر بپردازد .[بعلاوه] در حاليکه اهميت و برجستگي ويژگيهاي ملي و منطقه اي و زمينه هاي متنوع تاريخي، فرهنگي، مذهبي مي بايست مدنظر قرار گيرند، اين وظيفه دولت هاست که صرفنظر از نظام هاي فرهنگي، اقتصادي، سياسي اشان براي پيشبرد و حمايت از همه حقوق انساني و آزادي هاي بنيادين اقدام نمايند ."

(پارگراف ۵ جم بيانيه پاياني
کنفرانس جهاني حقوق بشر
۱۹۹۳ وين – ترجمه موجود
در کميسيون حقوق بشر
اسلامي ايران)

فهرست مطالب

عنوان — صفحه

پیشگفتار اول ۳
پیشگفتار دوم ۸
مقدمه ۱۱
دیدار با آقای کیارم رئیس مؤسسه حقوق بشر دانمارک ۱۵
حقوق بین‌الملل و مفاهیم حقوق بشر ۲۲
مکانیسم‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد ۲۷
میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۲۹
دیدار مجدد با آقای کیارم ۳۱
بازدید از پارلمان دانمارک ۳۲
بازدید از مرکز ملی بحران زنان ۳٤
بازدید از مرکز بحران زنان کپنهاگ ٤۰
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ٤۳
محاکمه عادلانه ٤٦
بازدید از دادگستری کپنهاگ ۵۱
دیدار با مشاور امور جوانان شورای جوانان دانمارک ۵٦
دیدار با معاون دائمی بخش رسیدگی به شکایات پارلمان ۵۸
کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان ٦۳
دیدار از شهر Malmo ٦۵
دیدار از موزه ملی کپنهاک ٦٦

عدالت انتقالی ۶۷
بازدید از صلیب سرخ دانمارک ۷۰
حق پناهندگی ۷۲
دیدار با آقای (Rolf Ring) دستیار مؤسسه حقوق بشر سوئد ۷۴
بازدید از مرکز پلیس در حومه کپنهاگ ۷۶
نقش جامعه مدنی در ارتقای حقوق بشر ۸۱
بازدید از اردوگاه پناهندگان ۹۰
آزادی مذهب و نقش مذهب در حقوق بشرمدرن ۹۲
بازدید از مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت ۹۹
آزادی بیان ۱۰۲
بازدید از وزارت مهاجرت ۱۰۴
بازدید از اتحادیه صنفی روزنامه‌نگاران ۱۰۶
حقوق بشر وضابطین قانونی ۱۰۹
اداره زندان و امور قضایی جوانان ۱۱۲
بازدید از زندان وسترکپنهاگ ۱۱۶
اتمام دوره ۱۱۹

پیش گفتار اول:

بنام او که آگاه به همه امور است.

تا چند دهه قبل برای عموم مردم در مناطق مختلف جهان قابل تصور نبود که پیشرفت های علمی و ابزارهای ارتباطی چه تحول شگرفی را در فکر و اندیشه انسانها ایجاد خواهد کرد و چه دیوارهای بزرگ جهل و نادانی را فرو خواهد ریخت و چه پرسشهای سخت و سهمگینی را فراروی دانایی بشر قرار خواهد داد. آن دوره غیر قابل تصور برای پیشینیان، هم اینک خوشبختانه یا متاسفانه! همه ما را فراگرفته است و ما میتوانیم به چند صورت عمل کنیم: یا این پیشرفت ها و تجربیات نوین را فرصتی برای رشد و ارتقاء خود و بشریت ببینیم و با همه وجود و متواضعانه و متناسب با حجم بی نهایت ندانسته های خود، برای یادگیری بیشتر تلاش و تکاپو معمول داریم و در این گذر داشته های خود را نیز سخاوتمندانه و مسئولانه به دیگران منتقل کنیم. یا برعکس، از پیشرفت ها و تحولات فکری و رشد عمومی بشر روی برگردانده و صرفا منفی ها را ببینیم و فقط بر طبل خود بکوبیم و در این توهم بسر ببریم که می توان قافله علم و دانش بشری را به عقب برگرداند و جزم گرایانه برداشت های خود را بدون اثبات در میدان های هماوردی های فکری و منطقی، محور دانست و یا اینکه خنثی و منفعل و غیر مسئولانه این تحولات را از سر بگذرانیم و مشغول در خوشی بی خبری خود نجوا کنیم که این دو روز عمر نیز می گذرد، چه بدانیم و چه ندانیم که چگونه می توان

بهتر شد و چگونه می توان از این همه تلاشهای علمی در دسترس برای توانمندی و رشد و تکامل خود بهره برد.

متناسب با اینکه جزو کدامیک از گروههای فوق باشیم بالطبع در هر حیطه ای وضعیتمان فرق خواهد کرد. این قاعده کلی در عرصه دانش حقوق بطور عام و در مقوله حقوق بشر بطور خاص نیز حکمفرماست چرا که در سراسر جهان تلاش و تکاپوی وسیعی در جریان است تا ابعاد مختلف حقوق انسانی تبیین و در عمل رعایت شود. عده ای از منظر دین، عده ای از منظر قواعد توافقی و عده ای از منظر ضد دینی در تلاشند تا یافته های خود را عرضه کنند و دیگران را به یافته های خود معطوف نمایند.

برای آنان که می خواهند یافته ها و پشتوانه های غنی خود را بدرستی منتقل کنند و دانسته های دیگران را بدانند، هر لحظه نیز فرصت مغتنمی است تا در این عمر کوتاه به تلاش مقدس و مسئولانه اهمیت داده و حرکت جدی خود را استمرار بخشند. کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران که هم اینک سالهای آغازین دهه دوم فعالیت خود را تجربه می کند و طی این مدت پیچ و خم های بسیار و جانفرسا را به لطف الهی و صبوری و مداومت پشت سر نهاده است، از همان ابتدا سعی نموده که مبتنی بر اصول راهبردی خود ایفای نقش مستقل، موثر، فعال و عزتمند در میدان های "فکری" بین المللی در زمینه حقوق بشر را مدنظر داشته باشد. در این فرآیند، همکاری های علمی با نهادهای مختلف بین المللی از جمله نهاد ملی حقوق بشر دانمارک که قدیمی ترین و فعال ترین نهاد ملی حقوق بشر در اروپاست، نیز ساماندهی شده و به اشکال مختلف به اجرا درآمده است. در

همکاریهای بین المللی همواره سعی شده که جدای از مشارکت صاحبنظران یامحققین وجوانان شایسته، دست اندرکاران امور نیز از فرصتها استفاده کنند تا مباحث کاربردی تر شود. دوره آموزشی کاربردی تیرماه ۸۳ ویژه مدیران اجرایی یکی از برنامه های نظری کاربردی بوده که بین نهادهای حقوق بشر ایران و دانمارک به اجرا درآمده و دوره مشابه دیگر ویژه قضات در سال۸٤ در مقوله دادرسی عادلانه و چند دور هم اندیشی های علمی دو جانبه در ایران و کپنهاک بین اندیشمندان دو کشور، بخشهای دیگر همکاری ها بوده است. همه این تلاشها در بستری شکل گرفته است که طرفین با صداقت و جدیت و محور قرار دادن مباحث علمی و حقوقی و با احترام متقابل حرکت کرده اند. متاسفانه اقدام موهن و برخلاف موازین انسانی برخی استفاده کنندگان از ازادی بیان و مطبوعات در دانمارک طی دو مرحله در سال ۸٤ و اختلافات سیاسی دولتمردان اروپایی و ایرانی در مقوله های مختلف طی همین دوره بسیاری از همکاری های علمی و تخصصی نهادهای مستقل را نیز تحت الشعاع قرار داد و اگر چه نهاد ملی حقوق بشر دانمارک چند نوبت اقدام موهن علیه مقدسات اسلامی را محکوم کرد ولی تحولات مزبور اثر خود را گذاشت که یکی از آنها توقف گفتگوهای علمی و بازدیدهای تخصصی اندیشمندان و مجریان و دست اندرکاران دو طرف می باشد. امید است هر چه سریعتر زمینه ای فراهم آید تا ضمن رعایت احترام متقابل و با محوریت دغدغه های مشترک انسانی، طرفین از تجربیات مثبت یکدیگر و دانسته های هم استفاده کنند و همین همکاری ها و تعاملات مثبت، تندروی ها و رفتارهای غیر منطقی و

خلاف مصالح بشریت را منزوی و مطرود سازد. اما در کمیسیون طی این سالها بخشهای مختلف اعم از علمی، پژوهشی، نظارتی، مشارکت ها و ... نهایت تلاش را معمول داشته اند که با دست خالی و بعضا موانع و بی مهری های متنوع بیشترین اثرگذاری ها را داشته باشند. در همین راستا بسیاری از اساتید و نخبگان حقوقی از مناطق مختلف کشور و با گرایشات متنوع فکری بصورت افتخاری و داوطلبانه و حسب وقتی که اختصاص داده اند و توان و قابلیت های خود از ارائه خدمات فکری مشورتی دریغ ننموده اند که جناب دکتر حبیب زاده نیز از جمله آنان می باشند که انشاءالله تلاشهایشان مقبول درگاه حق باشد. البته ایشان در زمان اعزام هیئت مدیران اجرایی به دانمارک، مدیر کل حقوقی وزارت کشور و یکی از دو نماینده معرفی شده وزارت مزبور برای دوره آموزشی کاربردی دانمارک هم بودند که به هر حال بلافاصله پس از بازگشت از سفر با احساس مسئولیت، مطالب علمی دوره را بصورت مکتوب ارائه و این زمینه را فراهم ساختند تا جدای از گزارش مکتوب دیگری که یکی از اعضای هیئت تهیه و در سال۸۳ از سوی کمیته ملی حقوق جوانان سازمان ملی جوانان منتشر گردید، گزارش حاضر نیز تدوین شود. گزارش حاضر طی ماههای گذشته به مسئولین نهاد حقوق بشر دانمارک نیز منعکس شد که پس از ملاحظه نظرات آنان و دریافت یادداشت مدیر اجرائی نهاد دانمارکی حقوق بشر، تدوین مطالب نهایی گردید. متعاقبا همانند دیگر آثار کمیسیون از جمله چند مجلد مربوط به اجلاسهای تخصصی مشترک با نهاد حقوق بشر دانمارک، کمبود منابع و امکانات مادی و تقیدهای شدیدی سخت گیریهایی که از حیث رعایت اصول

علمی در کمیسیون معمول می گردد، چند مدتی کار نشر اثر حاضر را نیز متوقف گذاشت تا اینکه با پیگیری مکرر خود جناب حبیب زاده و تلاشی که واحد خودکفایی و جذب کمکهای مردمی کمیسیون معمول داشتند امکان نشر آن به شکل حاضر مهیا گشت. امید است یافته های دوره آموزشی کاربردی دانمارک که البته مربوط به مباحث انجام شده در سال۸۳ شمسی (۲۰۰٤میلادی) میشود، موجبات توجه هر چه بیشتر مخاطبین محترم به مقوله حقوق انسانی و تجربیاتی که در ملتهای دیگر برای پیشبرد حقوق بشر حاصل گردیده است را فراهم آورد و هر یک از دوستانی که از دوره مزبور بهره مند شدند نیز در صورت به کارگیری مناسب یافته های جدید در تلاشهای عملی برای پیشبرد حقوق مردم و خدمت به خلق، نزد خداوند ماجور باشند. در پایان یادآوری می نمایم که مباحث حقوق بشر، روز به روز ابعاد فنی بیشتری پیدا می کند به نحوی که دانش آموختگان دوره های عالی می بایست دهها و صدها ماخذ جدید وفنی دیگر را مورد ملاحظه قرار دهند تا بتوانند وقوفی نسبی بر مباحث مربوطه پیدا کرده و منشاء اثر مطلوبی شوند ولی بهرحال آنان که در پی دانستن هستند از هر نکته آموختنی نیز به سادگی نمی گذرند و در آن تامل می کنند. از این زاویه گزارش حاضر نکات قابل تاملی دارد. خداوند توفیق معرفت اندوزی و بصیرت نصیبمان گرداند تا عالمانه تر مرحم بخش دردهای همنوعان خود باشیم.

محمد حسن ضیائی فر

زمستان ۸۵

پیشگفتار دوم:

"شناسایی و مورد تایید قرار می دهیم که همه آحاد بشری دارای حیثیت و ارزش ذاتی می باشند و "فرد"، موضوع محوری حقوق و آزادی های بنیادین بشر بوده و در نتیجه می بایست ذینفع اصلی تلقی و به نحو فعال در تحقق این حقوق و آزادیها مشارکت نماید"

بیانیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر ۲۵ ژوئن ۱۹۹۳

گزاره فوق چشم اندازی را فراروی کار مشاغلین امور حقوق بشر برای پیشبرد و حمایت از حقوق انسانی قرار می دهد. براین اساس، تمرکز بر فرد و دیالوگ مستمر برای پیشبرد و حمایت از حقوق بشر هسته محوری کار موسسه دانمارکی حقوق بشر است. آموزش حقوق بشر در جهت حصول آگاهی، توانمندی و فنون مربوطه برای تثبیت حقوق بشر و همچنین اقدام در جهت دفاع و پیشبرد حقوق انسانی است. آموزش حقوق بشر، ضرورتی است برای پیشبرد و حصول روابط هماهنگ و پایدار میان جوامع و تسریع درک متقابل و تحکیم صلح و بردباری. اسناد بین المللی حقوق بشر چارچوبه هنجاری این کار را مشخص نموده اند. موسسه دانمارکی حقوق بشر برای توسعه تحقیق و پژوهش و اطلاعات مربوط به حقوق انسانی تلاش می کند. این نهاد گفتگو میان شرکا در همه سطوح به عنوان یک رویکرد

سازنده برای پرداختن به موضوعات حقوق بشری در جامعه را مورد توجه دارد. مذاکرات محترمانه و آزاد در موضوعات حقوق بشری به نحو امیدوارانه ای منتهی به افزایش آگاهی و حساسیت در مورد حقوق بشر و توسعه نظرات منسجم و رشد یافته عموم مردم می شود و این امر در نهایت منجر به بهبود وضعیت حقوق بشر در هر جامعه ای می گردد.

با لحاظ اینکه آموزش حقوق بشر مبنای قابل قبول انجام مباحثه ها و گفتگوها در مورد موضوعات متنوع حقوق انسانی است، موسسه دانمارکی حقوق بشر، دوره های آموزش حقوق بشر در سطوح ملی و بین المللی را عرضه نموده و می نماید. این کتاب برگرفته از مباحثی است که در اولین دوره آموزش حقوق بشر میان کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران و موسسه دانمارکی حقوق بشر ارائه شده است.

مباحث دوره یاد شده متمرکز به موضوعات متعدد حقوق بشر بوده از قبیل: آزادی بیان، دادرسی عادلانه، مامورین اجرای قانون و حقوق بشر، ضوابط زندانها و اجرای عدالت در مورد اطفال و نوجوانان، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق پناهندگی، نقش جامعه مدنی در پیشبرد حقوق بشر، آزادی مذهب و حقوق زنان. در دوره یاد شده مباحث و گفتگوهایی در مورد خود میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون منع شکنجه و سایر مجازاتها یا رفتارهای تحقیر آمیز و غیر انسانی و خشن، کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان نیز ارائه شده است.

دوره برگزار شده موجبات مباحثات و گفتگوهای ثمربخش زیادی را میان شرکت کنندگان و مدرسین نیز فراهم آورد اگر چه این امر جزء ذاتی آموزش حقوق بشر می باشد. من مایل هستم بدینوسیله از همه اشخاصی که برای اجرای موفق وظائفشان تلاش کردند، سپاسگذاری نمایم. امیدوارم این کتاب مورد استفاده کسانی که حرفه اشان تلاش برای پیشبرد و حمایت از حقوق بشر است، قرار گیرد.

مورتن کی رم

مدیر اجرایی موسسه دانمارکی حقوق بشر

بسمه تعالی

مقدمه؛

قرن بیستم با طرح مباحث حقوق بشر در سطح جهانی به قرن بیست‌ویکم منتهی شد. مباحث حقوق بشر دو وجهه دارد: از یک طرف مفهومی حقوقی با ویژگیهای خاص خود از جمله جهانی و عام بودن، فارغ بودن از پدیده‌هایی چون رنگ، نژاد، مذهب، ملیت و غیره است، از طرف دیگر مفهومی سیاسی است که دولتهای قدرتمند و استعمارگر برای رسیدن به اهداف نامشروع خود و تسلط بر منابع انسانی و طبیعی کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم از طریق بعضی از سازمانهای بین‌المللی تحت سلطه خود از آن استفاده نامشروع می‌کنند. آنچه در این نوشتار به آن توجه شده، مفهوم حقوقی حقوق بشر است.

به دنبال توافق فیما بین کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران و مرکز ملی حقوق بشر دانمارک، هیاتی مرکب از دو عضو کمیته علمی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، نمایندگان نهاد ریاست جمهوری، وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، هلال احمر، سازمان ملی جوانان و ستاد مبارزه با مواد مخدر به شرح زیر:

ردیف	نام	نهاد
۱	علی باقری‌فر	ریاست جمهوری
۲	سعید جلالی	دفتر سیاسی وزارت کشور
۳	دکترمحمدجعفر حبیب‌زاده	کمیته علمی کمیسیون حقوق بشر اسلامی
٤	سعید دهقان	سازمان ملی جوانان
٥	دکتر حبیب ا... رحیمی	معاونت حقوقی ریاست جمهوری
٦	مجید صیادی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۷	سعید محمدی	ستاد مبارزه با مواد مخدر
۸	دکتر محمدتقی کروبی	سازمان ملی جوانان
۹	حجت الاسلام هاشم هاشم‌زاده هریسی	کمیته علمی کمیسیون حقوق بشر اسلامی
۱۰	دکتر عبدالرسول همتی	جمعیت هلال احمر فارس
۱۱	رمضانعلی یاوری	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
۱۲	اسماعیل همت دوست	مترجم
۱۳	وحیده دینداری	مترجم

از تاریخ ۲۰ ژوئن لغایت سوم جولای ۲۰۰٤ م. (۳۱ خرداد لغایت ۱۳ تیرماه ۸۳) از کپنهاک پایتخت دانمارک دیدن کردند.

پرواز در ساعت ۳ صبح روز یکشنبه از تهران به سمت فرانکفورت و از آنجا به سمت کپنهاک صورت گرفت و در ساعت

۹/۳۰ همان روز در فرودگاه کپنهاک به زمین نشست و پس از انجام امور گمرکی، هیأت در هتل مستقر شد. ساعت ١٤ همان روز جلسه رسمی خوش‌آمد گویی و توضیح برنامه‌ها توسط خانم Sisse Bang Olsen انجام شد و سپس با اتوبوس شهر کپنهاک مورد بازدید هیأت قرار گرفت. شام میهمان رسمی مرکز ملی حقوق بشر دانمارک بودیم و برنامه‌های علمی از صبح روز دوشنبه (۸۳/٤/۱) شروع شد. قبل از سفر ترتیبی اتخاذ گردیده بود که هیأت بتواند علاوه بر حضور در برنامه‌های علمی پیش‌بینی شده، از بعضی سازمانهای فعال در زمینه های مختلف مباحث حقوق بشر در دانمارک نیز بازدید کند.

مرکز ملی حقوق بشر دانمارک از سال ۱۹۸٤ میلادی با ۸ نفر شروع به فعالیت کرده است و در حال حاضر با چهار بخش داخلی، بین‌المللی، اطلاعات و آموزش و تحقیقات ادامه حیات می‌دهد. همکاران بخش تحقیقات این مرکز ملی از محققین ارشد و دانشجویان دوره دکتری هستند که در رشته‌های حقوق مهاجرین، حقوق اتحادیه اروپا، آزادی مذهب مشغول فعالیت هستند. مرکز ملی حقوق بشر دانمارک اصولا فاقد بخش اجرایی رسیدگی به شکایات است و افراد نمی‌توانند برای احقاق حق به آن مراجعه کنند. هر چند سال گذشته، اتحادیه اروپا وظیفه رسیدگی به شکایات را بر عهده این نهاد قرار داده است و در حال حاضر در خصوص اقلیتهای نژادی این امکان فراهم شده است. مرکز ملی حقوق بشر دانمارک از فعالترین

نهادهای ملی حقوق بشری اروپاست که در این زمینه با نهادهای مشابه در سراسر جهان از جمله در چین، ایران، عراق همکاری نزدیک دارد. برنامه پیش‌بینی شده برای هیئت ایرانی شامل طرح یک سری مباحث علمی (Lecture) و بازدید از مراکز مختلف بود که در ادامه خلاصه‌ای از مباحث ارائه شده در جلسات بحث علمی و دیدارها به منظور آگاهی علاقمندان به مباحث حقوق بشر مطرح خواهد شد. امید است این تعامل، علاوه بر آگاهی بخشیدن به مقامات اجرایی، زمینه‌ای باشد برای شناخت واقعی مفاهیم حقوق بشر و انعکاس مبانی فکری و نظری که جمهوری اسلامی بر اساس آن شکل گرفته است و در مقابل منجر به رفع موانع و اشکالاتی شود که ممکن است در اثر عملکرد بخشی از مقامات موجب مخدوش شدن چهره جمهوری اسلامی در سطح جهانی شده باشد. بازگشت به قانون اساسی و اجرای دقیق آن و مقید کردن همگان به این سند ملی می‌تواند در رسیدن به این هدف بهترین رویکرد راهگشا باشد و مشکلات موجود را در سطح ملی و بین‌المللی در موضوع رعایت حقوق بشر مرتفع سازد.

دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و

کمیته علمی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

بهار ۸٤

دیدار با آقای کیارم رئیس مرکز ملی حقوق بشر دانمارک

در اولین روز کاری (شنبه ۲۱ ژوئن) هیأت با آقای Morten Kjaerum رئیس مرکز ملی حقوق بشر دانمارک دیدار داشت. وی علاوه برداشتن اعتبار داخلی و وجهۀ ملی، در بین سازمانهای حقوق بشری اروپا نیز چهره‌ای بسیار مقبول است.

ایشان با طرح موضوع جهانی شدن و حقوق بشر و با اظهار خوشحالی از تعامل با کمیسیون حقوق بشر اسلامی، گفت اولین بار پنج روز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، به رغم همه جو سازیها علیه ایران، به این کشور سفر کرده است و دیالوگ مثبتی را با کمیسیون حقوق بشر اسلامی آغاز کرده است. وی سپس با اشاره به بحث جهانی‌سازی و آثار منفی آن، از جمله توسعه فقر و در حاشیه قرار گرفتن جمعیتهای مختلف در جهان و تحت فشار بودن آنها، در عین حال گفت این حرکت باعث آشنایی جهانیان با هم برای آزمودن آراء و نظرات خود در برخورد با هم شده است. وی در ادامه افزود: در اینجا بحث مبنای مشترک در جهانی‌سازی است و از همین زاویه است که از دهۀ ۱۹۹۰ موضوع حقوق بشر نقش اساسی پیدا کرده ویک فصل مشترک برای جهانی شدن گردیده است. از نظر ایشان دلیل اشتراک زبانی بین ایران و دانمارک در زمینه حقوق بشر، متعهد بودن هر دو کشور به معاهدات راجع به حقوق بشر است، لیکن نباید به جنبه تشریفاتی آن اکتفا شود بلکه باید ببینیم مردم در کوچه و خیابان به

این موضوع چگونه می‌نگرند. همه جای دنیا شکنجه را بد می‌دانند، هیچ کس محاکمه غیر منصفانه را تأیید نمی‌کند؛ هیچ کس دوست ندارد به خاطر کاری که انجام نداده محکوم شود یا به خاطر اعتقادات مذهبی یا نژادی تحت تبعیض قرار گیرد. زبان حقوق بشر در همه جای دنیا موثر و در تمام اقوام بشر مشترک است. به نظر من حقوق بشر خرد مشترک جامعه بشری در طول تاریخ است که در طول اعصار و از حرکت از قاره‌ای به قاره دیگر دچار تحول و تکامل گردیده و بسیاری از جنبه‌های منفی آن از بین رفته است؛ هر چند این حوزه هر روز با چالش جدیدی مواجه شده که باعث پویایی آن گردیده است در واقع بازدید از مراکز مختلف مثل مرکز پلیس و زندانها و دادگاه به همین منظور است. این عقل مشترک بشری در حرکت است و رو به تکامل می‌باشد.

این دوره بخشی از آن چیزی است که دانمارکی‌ها از حقوق بشر برداشت می‌کنند و اینکه این مفاهیم چگونه در زندگی روزمره دانمارکیها وارد شده است. در واقع بازدید از مراکز مختلف مثل مرکز پلیس و زندانها و دادگاهها به همین منظور است. او گفت یکی از موضوع‌هایی که از حقوق اسلامی مورد توجه ایشان قرار گرفته است، موضوع سازش و میانجیگری است که مرکز ملی حقوق بشر دانمارک روی آن کار می‌کند و هیأت می‌تواند با طرح مسائلی در خصوص میانجیگری در حقوق ایران به غنای این بحث کمک کند.

پس از اظهارات آقای مورتن کیارم، اعضای هیأت مهمان در خصوص محتوای برنامه پیشنهاداتی ارائه دادند از جمله اینکه برنامه‌هایی گنجانده شود تا از نحوهٔ برگزاری انتخابات در دانمارک اطلاعاتی بدست آوردند یا اطلاعاتی دربارهٔ نهادهای مدنی (NGO's) مواد مخدر و پولشویی و جرایم سازمان یافته کسب کنند. سپس نگارنده در مورد شفاف سازی دیالوگ ایران و اروپا در زمینه حقوق بشر به منظور جلوگیری از سوء استفاده ناقضان حقوق بشر در ایران و نیز رعایت حقوق جامعه مسلمانان دانمارک مطالبی به شرح زیر بیان کرد که مورد توجه ایشان قرار گرفت.

«بسمه تعالی، ابتدا تشکر می‌کنم از همکاری مرکز ملی حقوق بشر دانمارک با کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران. همچنین تشکر می کنم از جنابعالی به خاطر این همکاری و به خصوص برای تشکیل این دوره که هم باعث تعمیق همکاری دو جانبه شده و هم زمینه‌ای را فراهم کرده که سازمانهای مختلف ایران که در عمل با موضوعات مربوط به حقوق بشر سروکار دارند بتوانند از نزدیک و به طور عملی کارکرد سازمانهای مشابه دانمارک در زمینه حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهند و ازتجارب آنها جهت تکمیل اقدامات خود استفاده کنند.

همانطور که می‌دانید در ایران به لحاظ نظری موضوعات حقوق بشری بسیار مورد توجه بوده است و به لحاظ فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه ایرانی، مردم نسبت به این موضوعات بسیار علاقمند

هستند. اما در عمل به لحاظ کم تجربگی هم در حوزه کارکرد دستگاههای حکومتی و هم به لحاظ میزان آگاهی مردم نسبت به نحوه اجرای حقوق شهروندی خود با مشکلاتی مواجه هستیم.

به همین لحاظ کمیسیون حقوق بشر اسلامی سعی کرده با تعمیم برنامه‌های آموزشی، هم شهروندان را در زمینه آشنایی با حقوق شهروندی خود و نحوه پیگیری آن آموزش دهد و هم دستگاهها و مقامات مختلف اجرایی را با این موضوعات آشنا کند. کمیسیون سعی دارد در حوزه‌های مختلف، مسئولین اجرایی را در عمل وارد صحنه کند تا با درگیر شدن با موضوعات حقوق بشری بخشی از اهداف کمیسیون برای پیشبرد حقوق بشر را تأمین کند.

این دوره که با همکاری جنابعالی و مرکز ملی حقوق بشر دانمارک تشکیل شده در همین راستا ارزیابی و برای حصول این هدف بزرگ برای اولین بار برگزار می‌شود. لذا انتظار همکارانی که حضور دارند با توجه به اینکه اغلب به لحاظ تئوری با مفاهیم حقوق بشر آشنا هستند، این است که بتوانند در عمل نحوه کارکرد سازمانهای مشابه را در دانمارک در زمینه مسایل حقوق بشر مطالعه کنند. به همین دلیل بسیار علاقمند هستند که از سازمانهای مذکور بازدید داشته باشند و بتوانند با مقامات مربوط ملاقات کنند تا از تجربیات آنها استفاده کنند. فلذا ضمن تشکر مجدد از جنابعالی و همکارانتان خصوصا خانم سیزه Sisse Bang Olsen و خانم ماری لوئیزا Marie Louise Wammen که از دیروز زحمات فراوانی

برای ما کشیدند پیشنهاداتی داریم که در صورتی که امکان اجرای آنها فراهم شود، تشکر فراوان ما را به دنبال خواهد داشت. همانطور که در جریان هستید اعضای هیأت از مقامات اجرایی نهادهای مختلف ایران از جمله ریاست جمهوری، وزارت کشور، سازمان جوانان، هلال احمر و ستاد مبارزه با مواد مخدر هستند و به این لحاظ اولین پیشنهاد، بازدید از حوزه‌هایی است که مسئولیتهای مشابه با همکاران ما را دارند. همانطور که می‌دانید به طور میانگین در ایران سالی یکبار انتخابات برگزار می‌شود که نحوه اجرای آن با ملاحظه حقوق شهروندان از اهمیت بسیاری برخوردار است. علاقمندیم با نهاد برگزار کننده انتخابات در دانمارک و مسئولین اجرایی آن دیدار داشته باشیم. در سالهای اخیر سازمانهای غیر دولتی در ایران (N.G.Os) گسترش فراوان پیدا کرده است. نحوه تعامل آنها با دولت، نحوه نظارت بر کار آنها و بقیه موضوعات مربوط به این موضوع برای ما مهم است و علاقه داریم عملکرد دولت دانمارک را در این زمینه تجربه کنیم. در بعضی از موضوعات از جمله سازمانهایی که در مبارزه با مواد مخدر فعال هستند برای نهاد مسئول در ایران ملاحظه تجربیات طرف دانمارکی در زمینه مبارزه با موادمخدر مفید خواهد بود. همانطور که می‌دانید ایران به لحاظ مجاورت با افغانستان درگیر پیامدهای قاچاق موادمخدر است. اعتیاد به موادمخدر یکی از معضلاتی است که جامعه ایرانی با آن مواجه است و میدانید این معضل محدود به ایران نمی‌شود و به طور اتوماتیک سایر جوامع را

هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا با اعتقاد به اینکه مبارزه با موادمخدر امری جهانی باید باشد، درصورتی که بتوانیم از تجارت شما استفاده کنیم و از مراکزی که در این زمینه به لحاظ نظری وعلمی و نیز به لحاظ کاربردی و اجرایی فعال هستند بازدید کنیم مفید خواهد بود. یکی از موضوعاتی که جنبه جهانی پیدا کرده مبارزه با جرایم سازمان یافته (organized crimes) و موضوع پول شویی(money Laundering) است. علاقه داریم با مقاماتی که در این زمینه فعال هستند هم ملاقات داشته باشیم و تجارب آنها را ملاحظه کنیم. به طور مشخص همکاران ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران اعلام آمادگی کرده‌اند که در زمینه مواد مخدر و موضوعات مختلف مربوط به کاربرد حقوق بشر در این حوزه با شما همکاری مشترک علمی از جمله برگزاری سمینارهای علمی داشته باشند. به لحاظ نقش ارزنده شما در سطح اروپا در ارتباط با نهادهای حقوق بشر منطقه‌ای انتظار داریم که همکاری کنید سایر کشورهای اروپایی هم در این زمینه مشارکت داشته باشند. از طرف دیگر با توجه به نقشی که سازمان حقوق بشر دانمارک در خصوص دیالوگ بین ایران و اروپا در زمینه حقوق بشر دارد، به عنوان عضو کمیته علمی کمیسیون حقوق بشر اسلامی توقع دارم در زمینه شفاف سازی این دیالوگ و خارج کردن آن از یک حرکت سیاسی صرف قدم بردارید، به نحوی که ناقضین حقوق بشر در داخل ایران یا اروپا از آن سوء استفاده نکنند و زمینه‌ای فراهم شود که طرفین دیالوگ کسانی باشند که اعتقاد به مبانی و

اصول مشترک حقوق بشر داشته باشند و در نهایت مردم ایران و اروپا از این تعامل بهره‌مند شوند. در پایان، بارهم از مهمان‌نوازی شما و همکارانتان تشکر می‌کنیم و اگر فرصت داشته باشید اجازه می خواهم چند دقیقه‌ای همکارانم نظرات تکمیلی خودشان را بیان کنند».

وی در پاسخ گفت طرح مباحث حقوق بشر صرفا در دیالوگها فایده عملی ندارد. مهم موضوع‌هایی است که در خارج از اتاق و یا میان اتاق و خارج از آن در جریان است. ما باید ببینیم حقوق بشر در عمل چگونه اجرا می‌شود. وی با گلایه از عدم ارائه ویزا به ایشان برای سفر به ایران که چندی قبل به وقوع پیوسته است گفت به نظرما هیچ یک از مذاهب در تقابل با حقوق بشر قرار ندارند، بلکه آنچه ملاحظه می‌شود اعتقادات فردی بعضی از متولیان ادیان است که با حقوق بشر مخالف است. در خصوص شفاف‌سازی دیالوگ هم به لحاظ اهمیت موضوع پیشنهاد کردند جلسه‌ای روز بعد تشکیل شود (به رغم سفری که به خارج کشور در پیش داشت) تا نظراتش را اعلام کند.

حقوق بین‌الملل و مفاهیم حقوق بشر
(Introduction to International Law and Key Concepts in Human Rights Law)

این بحث توسط خانم دکتر Lone Lindholt که فارغ التحصیل دانشگاه کپنهاک و مدیر گروه قوانین جامعه مدنی بود ارائه شد. به نظر ایشان مهمترین ضابطه اجرای حقوق بشر، حاکمیت قانون است، پذیرش میثاقین توسط کشورها به منزلهٔ تأیید خواست ملتهای آنهاست، ولی در عین حال اگر لیست موارد نقض حقوق بشر در کشورها بررسی شود، می‌بینیم که بین ادعا و عمل آنها اختلاف وجود دارد. ما به دنبال نزدیک کردن این دو واقعیت به یکدیگر هستیم. به رغم آنکه بعضی از مردم به موضوع حقوق بشر رویکرد نظری دارند ولی فعالین حقوق بشر به واقعیتها توجه دارند. باید این دو برداشت به هم نزدیک شوند و تئوری و عمل در کنار هم قرار گیرند. برای تحلیل این موضوع می‌توان حقوق بشر را در دو حوزهٔ حقوق سخت(Hard Law) و حقوق منعطف (Soft Law) مورد بررسی قرار داد. حقوق منعطف شامل اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی می‌شود که از جمله آنها اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حق توسعه، قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل است. این نوع از قواعد حقوق بشر از نظر حقوقی، الزام آور نیستند و تنها اظهار و اعلام تأیید یک طرفه مقام اظهار کننده نسبت به محتوای آنهاست که مواضع آنها را نشان می دهد و اظهار می‌شود که اینها ارزشهای قابل توجهی هستند و از نظر سیاسی و اصولی برای

هدف‌گذاری مهم هستند. این نوع از حقوق، کلی و بسیار پرمحتوا است و اهداف جامعی را دنبال می‌کند؛ مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر که مهمترین سند در حقوق بشر نرم‌افزاری است. البته حقوقدانهای پایبند به بخش نخست تمایل دارند که حقوق منعطف را نادیده بگیرند، اما این بخش بسیار از لحاظ محتوایی غنی است و اصول ارزشمندی را بیان می‌کند.

حقوق سخت و لازم الاجرا شامل منشورها، کنوانسیوها و میثاقها می‌شود. گرچه این اسناد برابر نیستند ولی خصوصیت مشترک آنها این است که نسبت به کشورهای امضا کننده الزام‌آور است و با حرف C شروع می‌شوند؛ مثل Covenant, .Convention, Charter, این اسناد برعکس اسناد حقوق منعطف، کشورها را تا حد فراوانی محدود می‌کنند و به مفاهیم جزئی و تخصصی می‌پردازند و محل بحث علمی حقوقدانان هستند چون کلی نیستند و مباحث جزئی را مطرح می‌کنند. منشور ملل متحد مهمترین سند حقوق بشر سخت‌افزاری است که ساختار سازمان ملل را بیان می‌کند و اصولا به حقوق مشخصی اشاره نمی‌کند؛ هرچند در یکی از مواد آن (مادهٔ ۳۷) تأکید می‌کند که همه باید حقوق بشر را محترم بشمارند. با عضو شدن در سازمان ملل بطور اساسی تعهد به حقوق بشر ایجاد می‌شود.

تفاوت منشور ملل متحد با منشور حقوق بشر آفریقایی این است که دومی یک معاهده است، نه یک منشور. زیرا به حقوق شخصی بطور مفصل، مثل منع شکنجه اشاره می‌کند که به احکام میثاقین نزدیک می‌شود. چون اسناد حقوق سخت‌افزاری الزام آور هستند، در آنها نهادی برای اجرائی کردن مفاد سند پیش‌بینی شده

است تا سازوکارهای نظارت برنحوهٔ اجرای آن اسناد تعیین شود. وی در ادامه بحث خود با اشاره به اینکه چگونه کشورها به اسناد بین‌المللی متعهد می‌شوند به تفاوت بین امضا (Signature) و تصویب (Ratification) اشاره کرد. اگر کشوری سند حقوق بشری را امضا کند الزامی برای آن ایجاد نمی‌شود منتها چنانچه تصویب آن را به تعویق بیندازد، برای تعویق تصویب باید توجیه معتبر داشته باشد. امضا یعنی دولت متعهد می‌شود سازوکار لازم را برای جلوگیری از نقض حقوق مندرج در سند فراهم کند. بر این اساس، کشور امضا کننده نمی‌تواند قانونی مغایر با مفاد سند در خصوص نحوه تصویب آن تصویب کند که نحوه و مدت تصویب را تغییر دهد. همچنین در خصوص لغو مجازات اعدام با امضای میثاق، کشورها نمی‌توانند برای جرائم غیر مهم مجازات اعدام تعیین کنند، در غیر این صورت نه تنها به مرحله تصویب نرسیده‌اند، بلکه از آن دور شده‌اند. اما امضا موجب الزام آور شدن سند نمی‌شود و نهاد نظارت کننده نمی‌تواند بر نحوه اجرای سند در کشور امضا کننده نظارت کند. این امضا سند حقوق سخت‌افزاری را به منزلهٔ سند حقوق نرم‌افزاری برای کشور امضا کننده قرار می‌دهد. ممکن است بین مرحله امضا و تصویب سالها فاصله بیفتد، چنانچه دولت آمریکا بعضی از اسناد حقوق بشر را امضا کرده است، اما به تصویب نرسانده است. چین هم میثاق حقوق مدنی سیاسی را امضا کرده، ولی هنوز آنرا تصویب نکرده است. تنها عذر موجه به تعویق انداختن تصویب آن است که دولت امضاء کننده می‌خواهد مقررات داخلی که مغایر سند امضاء شده است را تغییر دهد.

بحث دیگر حق تحفظ یا حق رزرو(reservation) است که ممکن است کلی یا جزئی و نیز دائمی یا موقتی باشد. اعتبار رزرو به بحث حاکمیت و سلطه کشورها بر سرنوشت خویش برمی‌گردد و قید رزرو به معنای اعمال حاکمیت در محدوده خاصی از سند است. اعمال قید رزرو پس از امضای معاهده و در مرحله تصویب است، و پس از تصویب ممکن نیست. اما رزروهایی که اهداف کلی سند را مخدوش کند قابل قبول نیستند. به طور خلاصه دونوع رزرو وجود دارد:

۱. آنهایی که به طور کلی قابل قبول هستند و در اسناد بین‌المللی شناخته شده‌اند بعضی از رزروها برای حفظ مصالح عالیه و یا منافع اقشار گروههای آسیب‌پذیر در جهت پیشبرد اهداف کنوانسیون تعیین می‌شود. برای مثال دانمارک در مورد میثاق قیدی دارد که برای حفظ بیشتر مصالح کودک رسیدگی به جرائم آنها علنی نباشد. این رزرو مثبت است، زیرا در جهت حفظ بیشتر مصالح کودکان است.همچنین رزرو ممکن است موقتی باشد. مثل مواردی که برای اجرای سند احتیاج به تغییر قانون اساسی دارد و چون این اصلاح روند طولانی دارد، با تصویب سند اجرای آن مقید به اصلاح قانون اساسی می‌شود. این مکانیزم هر چند نقض حقوق بشر را موجب می‌شود، ولی چون مدعی باید وضعیت خاص را ثابت کند و استثنا هم محدود به زمان معینی است، بهتر از عدم الحاق است.

۲. یک نوع رزرو مطرح است که باروح سند مغایر است و موجب غیر قابل اجرا شدن کل سند می‌شود. مثل اینکه بعضی از کشورها در مورد کنوانسیون رفع تبعیض از زنان (CEDAW)

گفته‌اند در تمامی حوزه‌های حقوق خصوصی افراد، نوع دیگری از حقوق در مقایسه با مفاد سند تسری دارد. این نوع رزروها کلی هستند و سند را مخدوش می‌کنند و لذا قابل قبول نیستند. همچنین اگر تعداد رزروها زیاد باشد، موجب تردید در اجرای تعهدات کشور می‌شود.

(Derogation) یا توقف موقتی اجرای تعهدات نیز مربوط به جایی است که کشوری در یک وضعیت ویژه و سخت قرار گرفته و با مخاطراتی روبرو است و آن کشور می تواند بطور موقت از تعهداتش تخطی کند. مثلا انگلیس پس از حادثه ۱۱ سپتامبر از مادهٔ ٤ میثاق حقوق مدنی وسیاسی تخطی کرد. تخطی باید به اطلاع کمیته حقوق بشر برسد و باید ثابت شود کشور در وضعیت بدی قرار دارد.

بحث آخر اعراض از سند (withdrawal) است که در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بین‌المللی محل اختلاف نظر است. در حقوق بین‌المللی، کشور عضو می‌تواند از معاهده دو جانبه یا چند جانبه خارج شود و کشورهای دیگر عضو هم باید آنرا قبول کنند. اما در معاهدات حقوق بشری، امضا کننده چیزی به دست نمی‌آورد بلکه تعهدی را ایجاد می‌کند؛ لذا اعراض از آن مقبول نیست. زیرا موجب از هم پاشیده شدن کل سیستم حقوق بشر می‌شود. سندی که به تصویب رسیده غیر قابل ابطال است و نمی‌توان از عضویت در آن خارج شد. تنها راه Derogation است، در این زمینه تفسیر مضیق باید باشد و مدت خروج هم باید موقت باشد.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی
(International Convenant of Civil and Political Rights)

این بحث توسط آقای Christopher Badse,L.L.M در ساعت ۹ صبح روز سه شنبه ۲۲ ژوئن ارائه شد. خلاصه اظهارات ایشان به این شرح است:

با توجه به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر جنبه الزام آور نداشت، تدوین دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اجتماعی، اقتصادی،... برای اجرایی کردن این اعلامیه بوده است و پذیرش آنها در یک روز در سال ۱۹٦٦ دلیل بر آن است که این دو میثاق مزیتی بر هم ندارند و هر دو با هم در جهت اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسیده‌اند و مکمل یکدیگرند. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به مسائلی مثل منع شکنجه، حق حیات، منع برده‌داری و رعایت حقوق سیاسی می‌پردازد و دولتها را مکلف می‌کند از حقوق شهروندی پاسداری کنند. دانمارک در الحاق به میثاق حقوق مدنی سیاسی، به رغم آنکه هر دو پروتکل اجرائی آن راجع به حق افراد برای شکایت به کمیته حقوق بشر و نیز لغو مجازات اعدام را امضا کرده، اما در مورد اصل میثاق چند مورد رزرو اعمال کرده است. یکی دربارهٔ مادهٔ ۱۰ که جداکردن مجرمین کم سن از بزرگسالان است و دیگری غیر قابل تجدید نظر بودن رأی هیأت منصفه. اما ایران مطلقا آنرا در سال ۱۹۷٦ پذیرفته است، البته پروتکل‌های اجرائی آن راجع

به حق شکایت افراد از دولت به کمیته حقوق بشر سازمان ملل و حذف مجازات اعدام را امضا نکرده است.

در میثاق بندهایی وجود دارد که حق تعطیل موقت (Derogation) در مورد آنها وجود ندارد. این حقوق که به حقوق بنیادین مشهور است (Fundumental Rights) عبارتند از: حق حیات، منع شکنجه و منع برده‌داری که در مورد اینها رزرو هم قابل اعمال نیست، چون از حقوق بنیادین هستند و تحت هیچ شرایطی حتی جنگ، نمی‌توان آنها را موضوع رزرو یا تعطیل موقت قرار داد، زیرا خلاف مقتضای میثاق است. این حکم در ماده ٤ میثاق هم آمده است.

کمیته حقوق بشر براساس گزارشهای کشورها و نهادهای غیر دولتی به بررسی وضعیت حقوق بشر کشورها می‌پردازد و در شکل خاصی گزارش خود را ارائه می‌کند. در ادامه آخرین گزارش مربوط به ایران (۱۹۹۳) و آخرین گزارش مربوط به دانمارک (۲۰۰۰) مورد بررسی قرار گرفت.

دیدار مجدد با آقای مورتن کیارم (Morten Kjearum)

ایشان که نسبت به شفاف سازی دیالوگ ایران و اروپا حساس شده بود و نگران سوء استفاده ناقضین حقوق بشر در ایران و احیانا اروپا از این دیالوگ بود در دیدار قبل به دلیل اعتراضی که به نحوه انجام دیالوگ ایران و اروپا مطرح شد اظهار علاقه کرد در این خصوص توضیحاتی بدهد . وی در توضیحات جدید خود صریحا نسبت به اقدام چند ماه قبل جمهوری اسلامی مبنی بر رد درخواست ویزا و منع حضور ایشان جهت انجام مقدمات برگزاری سمینار مشترک، زبان به اعتراض گشود و اظهار کرد که صریحا به ما بگویند می‌خواهند با ما کار کنند یا نه؟ اینگونه نیست که اگر این رفتارها ادامه پیدا کند، همچنان در جهت ادامه روابط تلاش کنیم. وی ادامه داد البته خیلی به دنبال نتیجه‌فوری از این دیالوگها نباید بود. همین نشستها و همکاریهای بسیار مفید است، اگر قصد بهره‌برداری سیاسی از دیالوگ باشد مورد قبول ما نیست. او در ادامه افزود: در مقام مقایسه با دیالوگ با چین واقعیت این است که با چینی‌ها به حالت عادی و خوب و مطلوب رسیده‌ایم، اما در مورد ایران هنوز به این مرحله نرسیده‌ایم و باید طرفین دیالوگ تحمل بیشتری داشته باشند.

بازدید از پارلمان دانمارک (Danish Parliament)

روز سه‌شنبه ۲۲ ژوئن ساعت ۲ بعدازظهر عازم دیدار از پارلمان دانمارک شدیم. پارلمان، ساختمانی قدیمی و زیبا و معماری جذابی داشت. در محل پارلمان، راهنمای گروه توضیحات مفصلی داد که خلاصه آن به این شرح است:

پارلمان دانمارک ۱۷۹ نماینده دارد که ٤٠٪ آن زن هستند و جوانترین آنها دختری ۱۹ ساله است. حداقل سن عضویت در پارلمان ۱۸ سال است و متوسط سن اعضا ٤٦ سال است.

پارلمان با حضور ملکه افتتاح می‌شود. وی فقط حضور پیدا می‌کند ولی حق هیچگونه تحکم و صدور دستوری به پارلمان ندارد. در محل اجلاس برای خانواده سلطنتی، خبرنگاران و مردم، محل مخصوصی پیش‌بینی شده است و نکته جالب اینکه برای رسمیت جلسات همواره مردم باید در محل مخصوص حضور داشته باشند. قانون اساسی دانمارک ۳ بار اصلاح شده که آخرین آن در سال ۱۹۵۳ بوده است و ۸۹ اصل دارد. پارلمان ۲۵ کمیسیون فعال دارد که تصمیم‌گیری می‌کند و نتیجه آن در صحن پارلمان مطرح و رأی‌گیری می‌شود. این رأی‌گیری بیشتر جنبه صوری دارد و برای ارائه نظرات پارلمان به مردم و وسایل ارتباط جمعی است. سه ائتلاف عمده در پارلمان وجود دارد: ائتلاف راست، ائتلاف چپ و ائتلاف میانه.

توضیح دهنده در ادامه در مورد استقلال قوا گفت: قضات در دانمارک مانند اساتید دانشگاه انتخابی هستند و پارلمان هیچ نظارتی بر قوه قضائیه ندارد. یک دادگاه عالی وجود دارد که نظارت بر سیستم قضایی را بر عهده دارد.

در مورد تصویب قوانین مهم گفت که اخیرا پارلمان در خصوص جلوگیری از اعمال خشونت، مجازاتهای شدیدتری، در نظر گرفته است.

در حقوق دانمارک نظام مصونیت پارلمانی بر قرار است، اما در سالهای گذشته مواردی از محکومیت نمایندگان وجود داشته است؛ اگر اتهام نماینده مربوط به انجام وظیفه‌اش باشد از مصونیت برخوردار است، ولی سایر تخلفات (جرائم عمومی) مشمول مصونیت نیست.

بازدید از مرکز ملی بحران زنان
(Lokk National organization for Women's crisis centers)

در روز (چهارشنبه ۲۳ ژوئن) ساعت ۹ صبح برای دیدار از مرکز ملی برای بحران زنان عازم شدیم. توضیحاتی که شنیدیم اجمالا بدین شرح بود:

" ساختمان این سازمان غیر دولتی (N.G.O) متعلق به یکی از جنبشهای اصلی زنان دانمارک است که از آنها اجاره شده و از سال ۱۹۸۷ شروع به کار کرده و ۳۸ مرکز از جمله مرکز بحران زنان کپنهاک (Dannerhuset women's crisis centre) نیز عضو این سازمان هستند. هر ساله حدود ۲۰۰۰ نفر از زنان و کودکان در مراکز بحران، پناهجویی کرده‌اند که وضعیت آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بعضی از آنها برای یک شب یا دوشب در این مراکز می‌مانند و بعضی برای چند ماه. مراجعه زنانی که به اقلیتهای نژادی متعلق هستند در حال افزایش است. آخرین آمار سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که ٤٤٪ از مراجعین از اقلیتهای نژادی از ۸٦ ملیت مختلف هستند و بقیه دانمارکی هستند. سال گذشته ۵۲ نفر از آنها ایرانی بودند که ۵٪ را تشکیل می‌دادند و خیلی جوان بودند. (٦ نفر زیر ۲۰ سال، ۱۷ نفر بین ۲۲ـ۲۹ و ۱۷ نفر ۳۰ـ ۳۹ و بقیه بالای ٤۰ سال). این گروه بندی برای سن زنان است و ملاحظه می‌شود که بیشتر جوان هستند.

تعداد زیادی بچه در این مراکز وجود دارند که زیر سن دبستان هستند. داستان همهٔ زنها شبیه هم است وقتی مطالبشان را می‌گویند متوجه می‌شویم تحت خشونتهای فیزیکی، روانی و جسمی بوده‌اند و حتی تهدید به قتل شده‌اند یا علیه آنها اقدام به قتل شده است.

به عنوان یک سازمان، هدف اصلی ما این است که همه مراکز بحران را زیر چتر یک سازمان واحد در آوریم. کارکنان این مراکز ترکیبی از افراد ثابت (حدودا ۲۵۰ نفر) و داوطلب (حدودا ۱۵۰۰ نفر) است که تحت آموزشهای مستمر قرار دارند. این مراکز غالبا غیر دولتی هستند. منابع مالی را از راههای مختلف تأمین می‌کنیم. علاوه بر کمکهای دولتی که ۹۰٪ نیاز سازمان را تأمین می‌کند، از افراد ذی‌نفوذ هم کمک می‌گیریم. علاوه بر ارتباط وسیع با وسایل ارتباط جمعی جهت انعکاس مشکلات زنان و کودکان بحران زده، لابی سیاسی هم داریم و لذا خیلی به دولت و احزاب حاکم نزدیک هستیم و همزمان با اپوزیسیون هم در ارتباط هستیم، اطلاعاتی از این مراکز جمع‌آوری می‌کنیم و به بیرون منتقل می‌کنیم و بالعکس.

چون اخبار و اطلاعات ما واقعی است، لذا اعتبار خوبی داریم و حرف ما را قبول می‌کنند. هیچ چیز محرمانه نداریم، در ارائه آمار به احزاب اختلاف نیست و با همه یکسان عمل می‌کنیم. استراتژی ما ارتباط قوی با همه احزاب است که وقتی قدرت جابجا

شد، از حوزهٔ قدرت خارج نشویم. در عین حال سعی داریم سیاست دولت در زمینه حقوق زنان و کودکان را در جهت ارتقای این حقوق نقد کنیم و استقلال خودمان را حفظ کنیم. اگر بتوانیم علاقه رسانه‌های جمعی را به این مساله جلب کنیم، می توانیم به حکومت فشار بیاوریم که قوانین را بیشتر به نفع زنان تدوین کند. دو سال پیش پارلمان یک برنامه ملی در خصوص جلوگیری از خشونت علیه زنان تصویب کرد که بسیار مهم است و سازمان ما یکی از نهادهایی بود که در این زمینه با دولت همکاری کرد. یکی از مشکلات زنان ما ازدواج اجباری است.

برای مبارزه با ازدواجهای اجباری برنامه‌ای داریم که افراد مسوول برای این کار انتخاب شده‌اند که حقوقشان را وزارت مهاجرت می‌دهد. براساس قوانین دانمارک و سنت دانمارکی‌ها، ازدواج اجباری غیر قانونی است. کسانی که به ما مراجعه می‌کنند آنهایی هستند که در سالهای گذشته بر خلاف اداره خودشان ازدواج کرده‌اند و لذا سالها تحت خشونت قرار گرفته‌اند. یک بخش، مشاوره تلفنی ۲٤ ساعته داریم که زنانی که تحت خشونت قرار گرفته‌اند، با ما تماس می‌گیرند. برای بچه‌هایی هم که در این خانواده‌ها زندگی می‌کنند یک خط تلفن داریم. خط تلفن دیگری برای دختران خیلی جوان که غالبا ترک هستند، داریم که در زمینه ازدواج اجباری با ماتماس می‌گیرند. زنانی که با ما تماس می‌گیرند حتی اگر نظرات ما را اجرا نکنند هم می‌توانند دوباره به ما مراجعه کنند. هیچگاه کاری

نمی‌کنیم که آنها دل نگران باشند. چیزی که ما به آنها تأکید می‌کنیم این است که این محل همیشه آماده پذیرش آنهاست.

در مورد آمار این زنان باید گفت درصد اقلیتها بسیاربالاست. زیرا زن دانمارکی اگر تحت خشونت قرارگیرد می‌تواند به خانواده، فامیل و دوستانش مراجعه کند. اما این زنها جایی ندارند و فقط می‌توانند به این مراکز مراجعه کنند. مخصوصا وضعیت زنان خارجی که با مردان دانمارکی زندگی می‌کنند خیلی بد است. زیرا یا باید به کشورشان برگردند که نامناسب است یا باید این خشونت را تحمل کنند. قانون مهاجرت دانمارک هم به همین لحاظ قابل ایراد است و ما با آن موافق نیستیم. بارها به دولت گفته‌ایم که در مورد این زنها که بسیار آسیب‌پذیر هستند نباید قانون مهاجرت اعمال شود. این نوع زنان خشونتهای مختلفی را تحمل می‌کنند که حتی منجر به بیماریهای روانی می‌شود. بیشتر این زنان سالها تحت شرایط شکنجه قرار داشته‌اند. مثلا از خوابیدن محروم شده‌اند. در این خانواده‌ها بچه‌ها سعی می‌کنند بیدار بمانند تا اتفاقی نیفتد. ولی اگر بچه بخوابد صبح با مادر کتک خورده مواجه می‌شود و احساس گناه می‌کند. این یک شکنجه روانی است، زیرا مجبور است شاهد کتک خوردن و شکنجه مادرش باشد. این احساس گناه شدیدا شخصیت او را مختل می‌کند.

برنامه‌ای هم برای مردان خشن داریم که به آنها کمک می‌کنیم به حالت عادی برگردند. بیشتر این مردان، دوران کودکی بسیار بدی داشته‌اند و بیشتر تحت خشونت بوده‌اند. اینها می‌دانند که

رفتارشان خوب نیست، اما نمی‌دانند چه کار باید انجام دهند. در حال حاضر ٤ یا ٥ مرکز وجود دارد که مردان خشن می‌توانند به آنجا مراجعه کنند و تحت درمان روانپزشکی قرار گیرند. هر چند اینگونه مردها مقاومت می‌کنند، ولی به تدریج این کار عملی می‌شود والاّ تنها راه محاکمه و زندان است. قانون جدید دانمارک در مورد خشونت مردان اجازه داده تا مرد خشن ٤ هفته از منزل اخراج شود.

ایده‌اصلی در دانمارک این است که کتک زدن زن توسط شوهر به همان اندازه که یک غریبه دیگری را کتک می‌زند، قبیح است و صرف اینکه خشونت در خانواده انجام شده از قباحت آن نمی‌کاهد. در سال ۱۹۹۷ کتک زدن کودکان ممنوع شد، ولی هنوز تعدادی از کودکان در مراکز بحران نگه‌داری می‌شوند که کتک خورده‌اند، لذا جا انداختن این موضوع زمان زیادی می‌طلبد.

در مورد زنان معتاد به مواد مخدر و الکل هم مراکز خاصی برای نگهداری آنها وجود دارد که بچه‌ها همراه آنها نیستند. زنان معتاد به الکل بیشتر برای مقابله با خشونت مردان به الکل رو می‌آورند. الکل در خشونت مردان بسیار مؤثر است. مواردی از خشونت زنان علیه کودکان هم وجود دارد، چنانچه مواردی از خشونت علیه مردان هم واقع می‌شود که بیشتر در مقام دفاع از خشونت مردان است.

زنان موجود در مراکز بحران دو گروه هستند. اول گروه زنان تحصیل کرده معمولی که دارای خانواده خوبی بوده‌اند و تصادفا با یک مرد خشن مواجه شده و ازدواج می‌کنند. اینها حالت بحرانی

شدیدی دارند، زیرا مورد خشونت فیزیکی قرار می‌گیرند و احساس می‌کنند شخصیت آنها تحقیر شده است. لذا علاوه بر خشونت فیزیکی به لحاظ فشارهای روانی شخصیت آنها تحت فشار قرار می‌گیرد و برای بازگشت آنها به حالت عادی زمان فراوان لازم است. اینها از عدم توجه به شناخت مرد در هنگام ازدواج احساس گناه می‌کنند.

گروه دیگر زنانی هستند که در خانواده‌های خشن بزرگ شده‌اند. بعضی از اینها حتی در کودکی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. آنها تعریفی از زندگی متعارف ندارند و معیارهای خوب و بد را در زندگی اجتماعی نمی‌شناسند و لذا زندگی را با همین وضعیت نا مناسب ادامه می‌دهند و به دشواری می‌توان نا متعارف بودن زندگی را به آنها فهماند. آنها در سن‌های پائین سه یا چهار بچه‌دارند. در مورد زنان کمکهای حقوقی هم ارائه می‌دهیم تا بتوانند به پلیس یا دادگاه مراجعه کنند و یا طلاق بگیرند. به طور کلی در خصوص اعتقادات مذهبی مراجعین تحقیق نمی‌کنیم. چون آنرا یک مسأله شخصی می‌دانیم.

با همه سازمانها از جمله پلیس و سایر سازمانهای غیر دولتی همکاری می کنیم. در دانمارک سازمانهای غیر دولتی فراوانی داریم که بیش از حد به دولت انتقاد می‌کنند، ولی دولت هزینه‌هایشان را پرداخت می‌کند".

بازدید از مرکز بحران زنان کپنهاک
(Dannerhuset women's crisis center)

در ساعت ۱۱ صبح برای دیدار از مرکز بحران زنان کپنهاک عازم محل آن شدیم. ساختمان این مرکز در سال ۱۸۷۰ توسط همسر پادشاه وقت دانمارک برای زنان بازنشسته‌ای که منبعی برای تأمین معاش خود نداشته اند، ساخته شده است. بعدا در اثر پیشرفتهای اقتصادی تعداد مراجعین به این مرکز تقلیل یافته تا آنجا که یک قرن بعد یعنی در سال ۱۹۷۰ تنها ٤ زن برای زندگی در این ساختمان باقی مانده است و سطح استانداردها به نحوی بوده که احتیاج به وجود چنین اماکنی نبوده است. در این دهه دانمارک با جنبشهای داخلی زنان مواجه شده که موجب افزایش آگاهی زنان گردیده است. متعاقبا فراکسیونهای سازمانهای آزادیخواه زنان تصمیم گرفته اند که این ساختمان به همین سبک باقی بماند. در سال ۱۹۷۹، دویست نفر از زنان تصمیم گرفته اند این ساختمان را فعال کنند و با کمک مردم منابعی را برای خرید آن فراهم کرده اند. از آن زمان، این مرکز به عنوان یک مرکز حمایتی و سیاسی برای زنان شناخته شده و تا اواسط ۱۹۹۰ توسط زنان داوطلب اداره شده است. در حال حاضر ٦ زن این مرکز را اداره می‌کنند که یک نفر مدیر اصلی مرکز است که بیشتر دنبال جذب منابع مالی برای آن است. دو نفر از آنها هم به امور کودکان می‌پردازند و یک نفر هم به امور اقلیتهای قومی که زبان دانمارکی بلد نیستند، می‌پردازند. ما سازمانی غیر دولتی (NGO)

هستیم که به امور پناهجویان می‌پردازیم. زنانی که به ما مراجعه می کنند در موقعیتی هستند که هیچکس حاضر به پذیرش آنها نیست و به لحاظ ترسی که از همراهانشان دارند مورد شناسایی قرار نمی‌گیرند. این موضوع در مورد کارکنان ما هم صدق می‌کند و ما فقط به اسم کوچک شناخته می‌شویم. این روش به دلیل حفظ مسائل امنیتی است، چون همراهان پناهجویان به دنبالشان هستند، در نتیجه، ورود مردان به این مرکز ممنوع است.

حدود ۶۰ نفر داوطلب فعال با این مرکز همکاری دارند که به گروههای مختلف تقسیم شده‌اند. بعضی دنبال جذب کمک مالی و بعضی در داخل مرکز امور جاری را انجام می‌دهند. نگاه ما به خشونت اعم از فیزیکی و روانی است حتی برخورد تند لفظی و اهانت آمیز هم یک خشونت تلقی می‌شود. این موضوع امروزه فقط جنبه خصوصی ندارد و جنبه اجتماعی پیدا کرده و به دلیل پیچیدگی موضوعات اجتماعی ما مجبوریم موضوع را از نظر مددکاری اجتماعی و حقوقی بررسی کنیم.

رفتار آنها با زنان تحت پوشش به صورت کمک به بازگشت به خود است. با تأمین نیازهای اولیه و برقراری ارتباط انسانی با آنها سعی می‌کنند که آنها خودشان به کمک خویش بیایند و لذا برای آنها پرونده تشکیل نمی‌دهند. اکثر زنانی که اینجا هستند بین ۲۰ تا ۳۰ سال هستند که به طور متوسط یک ماه اینجا می‌مانند. اما اقلیتهای نژادی تا ۲ ماه هم می‌مانند، تا اینکه وضعیت به حالت عادی برگردد و بتوانند به زندگی خود باز گردند. زنانی که توسط شبکه‌های

سازمان یافته مورد خشونت قرار می‌گیرند را نمی‌پذیریم تا امنیت اینجا حفظ شود. پسرهای بالای ۱۲ سال را هم در اینجا نمی‌پذیریم، چون اینها سعی می‌کنند نقش پدر را بازی کنند. چون بازدید مردان از محل استقرار زنان ممنوع بود، تنها زن عضو هیأت توانست به داخل مرکز راه یابد و از محل نگهداری زنان مذکور بازدید کند و مردان در زیرزمین ساختمان مرکز با مسؤولین مرکز ملاقات داشتند.

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
(International Convenant of Economic, Social and Cultural Rights)

جلسه بعد از ظهر روز چهارم به بررسی میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط خانم دکتر Birgitte Kofod Olesen اختصاص یافت. این میثاق در سال ۱۹۷۵ توسط ایران و در سال ۱۹۷۲ توسط دانمارک به تصویب رسیده است و در سال ۱۹۷٦ لازم الاجرا شده است. ایران هیچ قید و رزروی نسبت به این میثاق اعلام نکرده، اما در عمل رزروهایی در قانون اساسی ایران ایجاد شده است که خلاف تعهدات میثاق است.

هر چند حق خود مختاری و حق تعیین سرنوشت ملل که در ماده یک میثاق آمده مربوط به دولتهاست، ولی در واقع به حق افراد بازمی‌گردد. مادهٔ ۲ اهمیت زیاد دارد چون وجه تمایز این میثاق با میثاق حقوق مدنی و سیاسی است و منابع موجود با توجه به وضعیت کشور تعیین می شود.

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین، منشور حقوق بشر بین المللی را تشکیل می‌دهند. بین دو میثاق تفاوتهایی وجود دارد؛ از جمله ۱. در میثاق حقوق مدنی سیاسی (ICCPR) تعهدات سلبی (Negative obligation) دولتها آمده است و در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) تعهدات ایجابی(Positive obligation) دولتها پیش‌بینی شده است. در

میثاق دوم (ICESCR) تکالیف دولتها برای انجام امور خاصی که در میثاق آمده، معین شده است؛ در حالی که درمیثاق اول (ICCPR) بحث عمدتا مربوط به تعهدات دولتها به عدم انجام کارهایی است که در میثاق آمده است. ۲. تعهدات میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیاز به بودجه ندارد و رایگان اجرا می‌شود در حالیکه تعهدات میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیازمند صرف هزینه و بودجه است.۳. در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR) حرکت تدریجی است و مضمون میثاق دارای ابهام است و مصادیق حقوق به طور مشخص بیان نشده است و تاب تفسیر دارد و لذا قابل ارائه به دادگاه نیست. اما در میثاق حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) اعمال فوری حقوق مطرح است .٤. حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مبهم و مجمل است و لذا امکان تفسیر موسع آن وجود دارد، اما در حقوق مدنی و سیاسی تفسیر بسیار صریح و روشن بوده است ٥. حقوق مدنی و سیاسی بیشتر قانونی است. اما حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بیشتر سیاسی است. ٦. میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بیشتر شبیه اعلامیه است. اما میثاق حقوق مدنی و سیاسی اینگونه نیست. ۷. حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی چندان اجرایی نیستند، اما حقوق مدنی و سیاسی قابل طرح در دادگاه هستند.

سه شیوه تحقق حقوق بشر هست. یکی احترام؛ دیگری حمایت و سوم اجرا. حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی از نظر تقدم شیوه‌ها مقابل هم هستند زیرا حقوق مدنی و

سیاسی بیشتر باید مورد احترام باشند در حالیکه حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بیشتر باید اجرا شوند.

در حقوق دانمارک، معاهدات بین‌المللی جزو قوانین داخلی محسوب نمی‌شود و برای اجرای آنها باید راهکار قانونی تعیین شود. برای این کار چند قاعده وجود دارد:

۱ـ قاعده تفسیر (Rule of Interpretation) که براساس آن در مقام تفسیر قضایی باید قانون داخلی مطابق مضامین میثاقین تفسیر شود.

۲ـ اماره قضایی (Rule of Presumtion) که توسط سیستم قضایی اعمال می‌شود.

۳ـ قاعده دستورالعمل (Rule of Instruction) که توسط مقامات اجرایی اعمال می‌شود.

بر اساس این قواعد، مقامات اجرایی و قضایی باید قوانین و مقررات داخلی را با ضوابط میثاقین تطبیق و تفسیر کنند والا افراد می‌توانند به دادگاه عالی و یا دیوان بین المللی حقوق بشر مراجعه کنند. در مورد وضع قوانین دو دیدگاه مطرح شده است:

۱ـ تأثیرپذیری از مقررات بین المللی

۲ـ عدم تأثیرپذیری از مقررات بین‌المللی

هنوز سیستم قانونگذاری دانمارک نتوانسته به نظر واحدی دست یابد، ولی اصل بر حاکمیت قوانین داخلی است.

محاکمه منصفانه (Fair Trial)

روز پنجم (پنج‌شنبه ٢٤ ژوئن) برنامه با ارائه بحث محاکمه منصفانه توسط خانم دکتر Stephanie Lagoutte در ساعت ٩ صبح شروع شد که خلاصه آن به شرح زیر است:

حق محاکمه منصفانه همچون چتری بر روی دیگر حقوق سایه افکنده است. هر مورد از نقض حقوق بشر را که ملاحظه کنید یک طرفش به حق برخورداری از محاکمه منصفانه و عادلانه بر می‌گردد. محاکمه منصفانه هم در موضوعات مدنی مطرح است و هم در موضوعات کیفری، محور بحث جلسه فعلی در موارد کیفری است.

حق محاکمه منصفانه یک حق بنیادین حقوق بشری و از قواعد ملموسی است که در قوانین داخلی هم منعکس می‌شود. وقتی یک فرد محاکمه می‌شود برای اولین بار با سیستم قضایی و پلیس مواجه می‌شود. نحوه برخورد پلیس و سیستم قضایی با متهم در این موقعیت، آزمایش حقوق بشر برای یک دولت است. هر دولتی باید کسانی که با متهم بدرفتاری کرده‌اند را تعقیب کند و به مجازات برساند. محتوای ضرب‌المثل (Ubi Jus, Ibis Remedium) این است که اگر یک رسیدگی منصفانه برای جلوگیری از تصمیم‌های غیر عادلانه وجود نداشته باشد، محاکمه غیر منصفانه حتما منجر به اخذ تصمیم غیر منصفانه می‌شود. اگر پروسه عادلانه نباشد، حقوق بشر در جامعه اعمال نمی‌شود؛ لذا این خطر وجود دارد که وقتی کسی برای

اولین بار مورد سوء ظن قرار می‌گیرد در معرض نقض حقوق قرار گیرد.

وقتی فرد بیگناهی وارد این سیستم می‌شود و ضابطین با او بدرفتاری می‌کنند یا مورد شکنجه قرار می‌گیرد، کل نظام قضایی زیر سؤال می‌رود و اعتبارش را از دست می‌دهد. بنابراین جامعه جهانی استانداردهایی برای تضمین حقوق انسانی افراد در مرحله محاکمه تعیین کرده است، به نحوی که در همه جا قابل اجرا باشند؛ لذا به تنوع سیستمهای قانونی نیز توجه کرده است تا یک استاندارد واحد شکل بگیرد.

اگر شرایط زندان مناسب نباشد و یا متهم شکنجه شده باشد و یا مورد بدرفتاری قرار گرفته باشد ویا حق دستیابی به جهان خارج از زندان را نداشته باشد، محاکمه منصفانه نیست. اینکه زندانی حق دسترسی به پزشک و خانواده و وکیل داشته باشد، خیلی مهم است و اگر کسی در کشور دیگری بازداشت باشد باید امکان دسترسی به مقامات کنسولی کشور متبوع را داشته باشد. حق دسترسی به جهان خارج، شرط تحقق حقوق انسانی متهم است. محاکم و مراجع قضائی مدارک و نتایج حاصل از اعمال شکنجه و بدرفتاری با متهم را نباید قبول کنند. در یک پرونده در فرانسه اعلام شد که وقتی شخص به زندان انفرادی می‌رود فرض می‌شود که تحت شکنجه بوده است.

بین حق محاکمه منصفانه و حق آزادی ارتباط خاصی وجود دارد. هرکس حق دارد آزاد باشد و بازداشت و زندانی کردن افراد فقط مبتنی بر قانون باید باشد. لذا حق سریع بردن زندانی به دادگاه و

مستقل و بی طرف بودن قاضی، از حقوق مربوط به محاکمه منصفانه است. این مدت زمان باید معقول باشد و لذا برای رعایت آن تضمینهای فراوانی اندیشیده شده است. البته در بعضی جرائم از جلمه تروریسم و جرائم سازمان یافته مقررات اجازه داده است که متهم تا ۴۸ ساعت از دسترسی به وکیل محروم باشد، هر چند پزشک می‌تواند او را معاینه کند. البته این حکم مورد اعتراض اروپائیان قرار گرفته است.

از دیگر حقوق متهمین، حق منع تبعیض و حق برخورداری از جبران خسارت مؤثر است. حق منع شکنجه به همه جوانب حقوق انسانی از جمله حق محاکمه عادلانه می‌پردازد. حق محاکمه عادلانه صرفنظر از ملیت، برای همه شهروندان وجود دارد. حتی اگر کسی به طور غیر قانونی در جایی زندگی کند نیز از این حق برخوردار است.

اجزای حق محاکمه عادلانه عبارتند از:

۱ـ اماره برائت: فرض اولیه این است که متهم بی‌گناه است.

۲ـ حق اطلاع فرد از اتهام خود.

۳ـ حق دسترسی به دادگاه مستقل و بی‌طرف. قاضی این دادگاه باید صلاحیت و مهارت قضاوت را داشته باشد. این شرط تعهدات زیادی برای کشورها ایجاد می‌کند. از جمله در ارتباط با آموزش و نحوه استخدام قضات، حقوق و وضعیت معیشت و حقوق بازنشستگی آنها و نیز ارائه تضمین‌هایی که وقتی قاضی در مورد پرونده خاصی وارد رسیدگی می‌شود او را جا به جا نکنند و بر خلاف اراده‌اش حتی پست او را ارتقا ندهند و نیز تحت فشار سایر

قوا واقع نشود. در رویه قضایی باید تضمین شود که قاضی واحد در دو مرحله (دادگاه بدوی و تجدید نظر) قضاوت نکند.

٤ـ حق دسترسی به یک جلسه دادگاه عادلانه و علنی. این حق مبتنی بر فرض بی‌گناهی افراد است. این مفهوم، کلی است و روشهای عینی فراوانی برای کاربردی کردن آن وجود ندارد. باید راهکارهایی اندیشیده شود تا تضمین کند چنین دادگاهی مثلا با حضور مردم و وکیل متهم تشکیل می‌شود.

۵ـ مهلت متعارف برای آمادگی جهت دفاع. تشخیص متعارف بودن این مدت بر اساس اوضاع و احوال هر موضوعی و عرف است که هم در دعاوی کیفری و هم دعاوی حقوقی مورد توجه است. این مسأله تاکنون مشکلات زیادی ایجاد کرده است. زیرا چه در دعاوی کیفری و چه در دعاوی حقوقی، طولانی شدن ممکن است به دلیل پیچیده بودن موضوع، کمبود کادر قضایی، کمبود بودجه و غیره به وجود بیاید. زمان متعارف برای تحقیقات در جرائم مهم ۳ سال است و اگر بیش از آن زمان لازم باشد، متهم باید آزاد شود و تحقیقات ادامه یابد. در زمینه محاکمه عادلانه، محدودیتها و استثنائات زیر وجود دارد:

۱- محدودیت حضور مطبوعات در بعضی از محاکمات (غیر علنی بودن).

این امکان در میثاق حقوق مدنی سیاسی پیش‌بینی شده است که مربوط به امنیت ملی، کودکان، اخلاق حسنه و زندگی خصوصی

افراد است. تصمیم دادگاه در مورد غیر علنی بودن باید بر دلایل قوی و قابل قبول استوار باشد.

۲- رسیدگی در دوره‌های اضطراری و در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه که به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو مربوط می‌شود و شرایط خاصی دارند.

۳- محاکم خاص نیروهای نظامی و دادگاههای ویژه برای محاکمه طبقات خاصی از اجتماع.

در رسیدگی‌های خاص اساسا این روشها برای نادیده گرفتن دادرسی عادی است. این قضیه در مورد دادگاههای نظامی هم صدق می‌کند. هر چند موظف به رعایت اصول کلی دادرسی هستند، ولی همیشه این چنین نیست و آنها تصمیمات خاصی در روش دادرسی اخذ می‌کنند. توجه دادگاه‌های خاص تنها به افراد بر نمی‌گردد، بلکه به موضوعات خاص هم مربوط می‌شود. مانند محاکم انقلاب در ابتدای انقلاب ایران که در آن زمان قابل توجیه بود و مقررات میثاق هم آنها را توجیه می‌کرد، اما حالا توجیه ندارند و باید تحت قاعده کلی قرار گیرند.

وقتی رسیدگی منجر به مجازات مرگ می‌شود، برای رعایت حقوق متهم ضمانتهای بیشتری پیش‌بینی شده است. به موجب مقررات بین‌المللی حقوق بشر در اینگونه محاکمات هیچ استثنائی برای رعایت این تضمینات وجود ندارد. همچنین روشهای تخفیفی زیادی مثل عفو و درخواست تخفیف یا تبدیل مجازات برای این موارد پیش‌بینی شده است. در اروپا دیگر مجازات اعدام وجود ندارد.

بازدید از دادگستری کپنهاک (City Court)

ساعت ۱۳ برای بازدید از دادگستری کپنهاک عازم ساختمان قدیمی و زیبا و در عین حال خلوت و آرام دادگستری شدیم. در این دیدار آقای Bertil Frossell قاضی محترم دادگستری که شخصیتی با وقار، متین وجدی و با پشتکار به نظر می‌رسید از هیأت استقبال کرد که خلاصه‌ای از توضیحات ایشان به شرح زیر است و می‌تواند مورد توجه مقامات قضایی و قانونگذاری ما قرار گیرد:

"در دادگاههای بدوی کیفری، قاضی، دادستان، ۲ مشاور، متهم و وکلایش حضور دارند. یک نفر منشی همزمان صورت مذاکرات را تایپ می کند و قاضی نیز دستورالعملهای لازم را از طریق رایانه به او می‌دهد. تاکنون هیچ نیازی به حضور پلیس برای رعایت مسائل امنیتی در دادگاه نبوده است. البته قاضی از طریق زنگی که در کنارش است با مرکز پلیس در ارتباط است تا در موارد ضروری آنها را آگاه کند.

حکم دادگاه یک هفته پس از محاکمه صادر می‌شود. در محاکم مدنی یک قاضی و در محاکم کیفری سه قاضی حضور دارند که رای جمعی صادر می‌کنند. سیستم حقوقی دانمارک رومی ژرمنی است و برای جرائم به استناد قانون عمل می‌کنند. دستگاه قضایی توسط یک هیأت قضایی متشکل از قضات عالیرتبه اداره می‌شود که رئیس قوه قضائیه را هم آنها منصوب می کنند. ولی بودجه آن توسط

پارلمان تصویب می‌شود. از نظر وضع قوانین، پارلمان بر قوه قضائیه کنترل دارد ولی قضات انتخابی هستند.

امور مربوط به دستگاه قضایی نباید تابع تحولات سیاسی باشد، البته در نهایت پارلمان است که کنترل قوه قضائیه را به عهده دارد، اما این استثنای کلی وجود دارد که تصمیمات قضایی در هر یک از دادگاهها به طور مطلق خارج از کنترل پارلمان است، لذا امتیازاتی که در سیستم قضایی هست بیشتر به همان آزادی در صدور رای بر می‌گردد. البته یک اجماع عمومی در دانمارک وجود دارد که دستگاه قضایی نباید دولت در دولت باشد، بلکه باید تابع مقرارت کلی و سیاستهای جاری کشور باشد. اگر سیاست دولت بر این منوال باشد که رسیدگیهای قضایی هزینه زیادی بر کشور تحمیل می‌کند، دستگاه قضایی باید این هزینه را کاهش دهد.

در مورد نصب قضات، هیأتی وجود دارد که منتخب اقشار مختلف هستند و نمایندگان وکلای دادگستری و سازمانهای غیر دولتی (NGO) در آن عضو هستند. در انتخاب قضات توان و تحصیلات آنها مورد توجه هیأت قرار می گیرد. اگر وزارت دادگستری به عملکرد این هیأت ایراد داشته باشد به پارلمان مراجعه می‌کند. در ۲۵ سال گذشته فقط یکبار این واقعه اتفاق افتاده است و لذا هیأت مذکور متوجه شد که اگر افراط و تفریط کند، کنترلی بر آن وجود دارد. به نظر بنده در حال حاضر انتخاب قضات بر اساس یک توافق جامع صورت می‌گیرد و انتخاب قضات مورد توافق همه حوزه‌ها قرار دارد. زیرا آدمهایی که خیلی سیاسی هستند برای قضاوت

انتخاب نمی‌شوند. بنابراین تصمیمات قضایی به دو دلیل مشروعیت دارند: ۱ـ توافق همگانی ۲ـ حمایت مقامات عالیرتبه.

دادگاه اختصاصی مواد مخدر وجود ندارد. مهمترین پرونده‌هایی که در رسیدگی به آنها هیأت منصفه وجود دارد پرونده‌های مربوط به مواد مخدر است. متأسفانه بسیاری از جرائم کوچک مثل سرقت مرتبط با استفاده از مواد مخدر هستند. زیرا معتادین به مواد مخدر ناچارند برای تأمین مخارج خود مرتکب جرائم دیگر شوند و یا باندهای سازمان یافته تشکیل دهند. در دستگاه پلیس هم یک سازمان مرکزی برای مبارزه با مواد مخدر وجود دارد.

در قانون اساسی دانمارک راجع به هماهنگ کننده سه قوه حکمی وجود ندارد.

در طول سالها، در عمل این نظر مورد پذیرش قرار گرفته که دادگاهها تصمیم نهایی را می‌گیرند. این نظر مورد قبول سیاستمداران هم قرار گرفته است، زیرا محاکم بسیار بی‌میل هستند که بخواهند از این وسیله برای هدف سیاسی استفاده کنند. دادگاه عالی تاکنون دوبار در خصوص لغو قوانین تصمیم‌گیری کرده است. سیاستمداران چون می‌دانند با تصمیمات مخالف دادگاهها مواجه می‌شوند، معمولا از طرح موضوعات خلاف قانون اساسی خودداری می‌کنند و این بهترین روش کنترلی است. هم پارلمان و هم دولت بخشی از مشروعیت خود را از آراء مردم کسب می‌کنند ولی نهایتا توسط قوه‌ای کنترل می‌شوند که انتخابی نیست و مشروعیت دمکراتیک ندارد. اما اگر از جامعه شناسان سؤال شود، آنها این روش، را معتبر می‌دانند ولی من

شخصا نگرانم این اعتبار را از دست بدهیم، زیرا مقامات حاضرند که در بین مردم مقبول باشند. از نظر فرهنگی اساسا مردم دانمارک نظرات قضات را بدون قید و شرط قبول می‌کنند، اما ممکن است این موضوع دچار تحول شود. در آن صورت اگر مردم نظرات محاکم را نپذیرند معلوم نیست چه باید کرد؟ این فرهنگ، میراث گذشتگان است، زیرا حتی قبل از تدوین قانون اساسی مستقل در سال ۱۸٤۹ که به نظرات پادشاه استناد می‌کردند، تصمیمات قضات از مقبولیت عام برخوردار بود و پادشاه هم در آن دخالتی نداشت. بحث مصونیت قضات در قانون اساسی مطرح شده و عزل قاضی فقط توسط دادگاه ممکن است که این دادگاه مرکب از یک قاضی دیوان عالی و یک قاضی از دادگاه بدوی تجدید نظر است.

در خصوص رسیدگی‌های کیفری اصل بر قانون نوشته است و اگر قانون نباشد اصل برائت اجرا می‌شود.

جابجایی قضات بدون رضایت آنها ممکن نیست. در مورد تخلفات قضات گزارش به پارلمان داده می‌شود. تا حالا حدود دخالت مجلس در مورد قضات تعیین ضابطه‌های کلی بوده، مثل تعیین شرایط کلی قضات و نه دخالت مسائل جزئی.

برای رسیدگی به جرائم قضات یک دادگاه خاص وجود دارد که علاوه بر رسیدگی به تخلف او، اگر بعد از صدور حکم هم جرمی مرتکب شود، نسبت به آن پرونده هم رسیدگی می‌کند. کل دستگاه قضایی دانمارک ۲ هزار نفر کادر قضایی دارد که در ۸۲ دادگاه بخش و ۲ دادگاه عالی حضور دارند".

در پایان بازدید از دادگستری، هیأت ایرانی در جلسه محاکمه یکی از متهمین به کلاهبرداری شرکت کرد و از نزدیک با نحوه محاکمه آشنا شد. در این جلسه قضات دادگاه (یک قاضی و مشاور) در محل خاص استقرار یافته بودند و نظاره گر محاکمه نماینده مدعی العموم و متهم بودند. وکلای متهم نیز در ردیف مقابل قرار داشتند و شاکیان نیز به آرامی در جایگاه خاص نشسته بودند. متهم با لباس عادی در دادگاه حضور داشت و هیچ محدودیتی که حاکی از تحقیر او باشد، در سالن دادگاه و محل و نحوه استقرار او دیده نمی شد و با آزادی کامل و حتی با ادعای محق بودن خود در حال پاسخگویی به سؤالات نماینده دادستان بود. اگر امکان فیلمبرداری از این جلسه مهیا می‌شد تجربه خوبی برای قضات‌ما بود.

در پایان روزکاری پس از بازدید از پارک تیولی (Tivoli Garden) شام میهمان رسمی مرکز ملی حقوق بشر دانمارک بودیم که با حضور همکاران مؤسسه مذکور صورت گرفت.

دیدار با مشاور امور جوانان شورای جوانان دانمارک
(Youth Consultant, Danish youth council)

روز ششم (جمعه ۲۵ ژوئن) با دیدار با رئیس سازمان جوانان دانمارک در ساعت ۸ صبح شروع شد. گزیده ای از توضیحاتی که برای هیئت ایرانی ارائه شد به شرح زیر است:

شورای جوانان دانمارک در سال ۱۹٤۰ در دورهٔ جنگ دوم جهانی، زمانی که دانمارک در تصرف آنها بود، تأسیس شد. اعضای این شورا سازمانها هستند و عضو فردی مستقل نداریم. این سازمانها ۸۵۰ هزار نوجوان و کودک را تحت پوشش قرار می دهند. در این سازمان، خود جوانان نقش اصلی را ایفا می کنند.

مسؤولیت اصلی این سازمان عبارت است از: ۱ــ توزیع امکانات بین سازمانهای وابسته. ۲ـ پیگیری جذب امکانات از دولت برای کمک به جوانان در حل مشکلات خود.

این شورا همچنین به عنوان رابط بین افراد نوجوان و سازمانهای مربوطه و تأمین آموزش نوجوانان در دانشگاهها عمل می‌کند و برای ایجاد محیط لازم برای جلب فعالیت جوانان در عرصه سیاسی، اجتماعی تلاش می‌کند و همچنین برای ایجاد تفاهم و تعامل بین‌المللی برای سازمانهای وابسته بسترسازی می کند.

شورای مذکور غیرسیاسی و غیر مذهبی است و منابع آن به طور کلی از طرف دولت تأمین می‌شود که سالیانه حدود ۲/٤ میلیون یورو (۱۵ میلیون کرون دانمارکی) است. این بودجه از طریق وزارت

آموزش و پرورش تأمین می‌شود. ۵۵٪ مالیات قمار به شورای جوانان می‌رسد. در دانمارک سنین ۳ تا ۱۵ کودک تلقی می‌شوند و در ۱۵ سالگی مسوولیت کیفری دارند و در ۱۸ سالگی می‌توانند در انتخابات شرکت کنند و وارد مسؤولیتهای اجتماعی شوند. تعریف دقیقی از جوان نداریم، ولی افراد زیر ۳۰ سال جوان تلقی می‌شوند. احزاب سعی دارند جوانان عضو سازمانهای وابسته را به عضویت بپذیرند که ما مخالفیم و سعی داریم آنها را جهت مشارکت در انتخابات و تعیین سرنوشت خود ترغیب کنیم. اعتبارات در اختیار این سازمان فقط برای برنامه‌ریزی اوقات فراغت جوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد. بیشترین اعتیاد جوانان به مشروبات الکلی، حشیش و سپس کوکائین است. مطالبات امروز جامعه جوان دانمارک عبارتست از:

۱ـ زندگی بهتر
۲ـ فضای آموزشی کاملتر
۳ـ مشارکت تام در تمام امور جامعه

دیدار با معاون بخش رسیدگی به شکایات پارلمان
(Office of the Parliamentary Ombudsman)

در ساعت ۱۰صبح به ملاقات با معاون بخش رسیدگی به شکایات پارلمان رفتیم. این بخش بر اساس اصلاحات قانون اساسی پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۵۵ و با الهام از نظام سیاسی سوئد که در این زمینه ۲۰۰ سال سابقه دارد، ایجاد شده است و سال آینده پنجاهمین سالگرد تأسیس آن است. دلایل تشکیل این دفتر، پیچیدگی قوانین و عدم امکان فهم آنها توسط مردم بیان شده است. این دفتر به عنوان یک سازمان واسط جایگزین دستگاه قضایی برای پاسخگویی به مراجعات مردم است و امکان شکایت از ادارات را فراهم کرده است. ایده آن از سوئدی‌ها گرفته شده است و سوئدی‌ها از دولتهای ترک ایده گرفته‌اند.

این دفتر بخشی از تشکیلات پارلمان است، اما به موجب قانون، مستقل از پارلمان عمل می‌کند و پارلمان نمی‌تواند در امور آن دخالت یا علیه آن شکایت کند. مسؤول این دفتر پس از هر انتخاباتی از طرف پارلمان منصوب می‌شود و انتخاب مجدد آن بلامانع است، اما معاون آن که یک تحصیلکرده حقوق و وکیل با تجربه است، دارای سمت دائمی است. تاکنون چهار نفر به عنوان مسوول این دفتر انتخاب شده‌اند و مسؤول فعلی آن در سال ۱۹۸۷ انتخاب شده و هنوز مشغول کار است (یعنی حدود ۱۷ سال) که انتخاب او از طرف پارلمان به طور مکرر واقع شده است و رکورد جهانی را دارد. او

فردی غیر سیاسی و شناخته شده است، هر چند توسط جریانات سیاسی انتخاب می‌شود. به طور سنتی وقتی می‌خواهند مسؤول این دفتر را تعیین کنند به دنبال افراد شناخته شدهٔ غیر سیاسی می‌روند. این دفتر، دادگاه نیست؛ اما به لحاظ رسیدگی و تحقیق مانند یک دادگاه عمل می‌کند و به شکایات فردی رسیدگی می‌کند. موارد استثنائی هم وجود داشته که وقتی یک شهروند شکایتی را مطرح کرده این دفتر به طور عام به موضوع رسیدگی کرده است. هر ساله حدود ٤٠٠٠ فقره شکایت شخصی مطرح می‌شود. پنج گروه کاری دارد که عبارتند از:

۱- گروه رسیدگی به مشکلات اجتماعی مثل حقوق بازنشستگی و پرداخت یارانه به بیکاران.

۲- گروه رسیدگی به سایر مشکلات اجتماعی مثل مشکلات خانوادگی، طلاق، مالیات.

۳- گروه رسیدگی به مسائل زیست محیطی و مشکلات ادارات محلی.

٤- گروه رسیدگی به مسائل مربوط به پلیس و اداره زندانها.

۵- گروه رسیدگی به مسائل متفرقه که مربوط به بیست وزارتخانه موجود در دانمارک است. در این گروه به مسائلی مانند مشکلات تحصیلی افراد، مسائل مربوط به کلیسا، مشکلات موجود بین دولت و شهروندان از قبیل حقوق بیکاری، عدم سرویس دهی مناسب بیمارستانها، اخراج خارجیان رسیدگی می‌شود. قبل از طرح شکایت در این دفتر، باید شهروند همه راههای ممکن در آن دستگاه

و ادارهٔ خاص را طی کرده و به نتیجه نرسیده باشد. شاکی مؤظف نیست برای طرح شکایت خود مدارک و اسناد ارائه دهد، بلکه این دفتر خود تهیه اسناد مربوطه را دنبال می‌کند و می‌تواند مستقیم به سازمانها مراجعه کند یا از آنها بخواهد مدارک را در اختیار آن قرار دهند. به موجب قانون، سازمانها مکلف به ارائه سریع اطلاعات مورد درخواست این دفتر هستند و الاّ به دادگاه معرفی می‌شوند. این دفتر هر چند به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات دارای اختیارات کافی است، اما در مرحله تصمیم‌گیری فاقد اختیارات کافی است و دستورات آن برای دولت الزام آور نیست و جنبه توصیه دارد و فقط اعلام می‌کند که آنچه انجام شده واجد ایراد قانونی است، هر چند دولت معمولا این توصیه‌ها را می‌پذیرد. زیرا می‌داند دارای استدلال و پشتوانه حقوقی است و اگر موضوع به دادگاه کشیده شود، دادگاه بر اساس نظر این دفتر حکم می‌دهد و ممکن است موضوع در پارلمان مطرح شود، چون این دفتر وابسته به پارلمان است. مشکل وقتی بیشتر می‌شود که طرف شکایت، دولتهای محلی باشد که مستقیما وابسته به پارلمان نیستند. تفاوت این دفتر با دادگاه این است که وقتی کسی شکایت می‌کند، این دفتر خودش تصمیم می‌گیرد که به موضوع رسیدگی کند یا نه تا از هدر رفتن منابع جلوگیری کند؛ در حالی که دادگاه حق ندارد تصمیم بگیرد به موضوعی رسیدگی نکند. اگر به موضوعی رسیدگی کند و تشخیص دهد که شکایت بی‌مبنا است موضوع را به اطلاع شاکی می‌رساند و او اگر استدلال را قبول نکند، می‌تواند در دادگاه طرح شکایت کند و دادگاه هم می‌تواند شکایت او

را قبول نکند. لذا دادگاهها در موارد نادر علیه این دفتر حکم صادر می‌کنند، در حالی که این دفتر در موارد بسیاری نظرش را علیه دادگاهها مطرح می‌کند؛ اما حق رسیدگی به شکایت علیه محاکم را ندارد. چنانچه حق رسیدگی در مورد شکایت علیه پارلمان را هم ندارد. شکایت علیه پارلمان در خصوص قوانین در دادگاه مطرح می‌شود و یا به دادگاه حقوق بشر اروپایی ارجاع می‌شود. در این میان با توجه به صلاحیتهای محدود این تشکیلات، وقتی وظایف و اختیارات کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی برای ایشان تشریح شد، اظهار داشت این کمیسیون خدای دوم در روی زمین است. ما هیچگاه اینقدر اختیار به یک نهاد نمی‌دهیم که موجب سوء استفاده از قدرت شود.

در مورد نحوه تشکیل پرونده‌ها اظهار داشت برخی از شکایتها را بدون آن که کسی پیگیری کند ما پیگیری می‌کنیم و روش آن هم این است که از طریق وسایل ارتباط جمعی متوجه برخی اشکالات می‌شویم. برای این کار افراد خاصی داریم که روزنامه‌ها را بررسی می‌کنند تا اگر شکایت یا گزارشی در آنها مطرح شده باشد پیگیری کنیم. سالانه حدود ۳۰ مورد به این صورت پیگیری می‌شود. دوم مربوط به بازرسی از زندانها و بیمارستانها می‌شود. به این صورت که هیاتهایی با اعلام قبلی به این مراکز می‌روند هر کس شکایتی دارد می‌تواند مطرح کند. هر سال ۲۰۰ بازرسی داریم. روش سوم این است که گاهی اوقات رسیدگیها را علیه فرهنگ حاکم بر دولت مطرح می‌کنیم. مثلا به صورت تصادفی صد (۱۰۰) مورد از وظایف دولت را

بررسی می‌کنیم. تا عملکرد دستگاههای اجرایی را ارزیابی کنیم نتایج تحقیقات و بازرسی‌ها را از طریق ارائه گزارش سالیانه به مجلس و قراردادن در وب سایت به اطلاع مردم می‌رسانیم. این گزارشها به دولت کمک می‌کند که اشکال کار در کجاست. در سال حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ شکایت از کارکنان بخش غیر دولتی داریم، اما نمی‌توانیم شکایات علیه سازمانهای غیر دولتی (N.G.O's) را بررسی کنیم.

کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان
(Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women)

در ساعت ۱۲/۳۰ جلسه مربوط به بررسی کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در محل مرکز ملی حقوق بشر دانمارک توسط خانم Dace Kavasa, L.L.M شروع شد. وی لاتوپاتبار ویک فمینیست جسور بود و کسب مقام ریاست کشور خودتوسط یک زن را از افتخارات کشور خود می‌دانست. گزیده ای از توضیحات وی بشرح زیر بود:

" این کنوانسیون یک ابزار نظارتی در بررسی وضعیت حقوق بشر در کشورهاست. تمام هدف این کنوانسیون در جهت برابری حقوق زنان و مردان است. به نظر ایشان در دانمارک و سوئد که به لحاظ رعایت کنوانسیون در وضعیت خوبی قرار دارند، هنوز در مقایسه با مردان، زنان در وضعیت نامناسبی به سر می‌برند. البته وقتی از حقوق زنان صحبت می‌شود، حقوق مردان هم باید ملاحظه شود. اگر این توازن به هم بخورد اثر نامطلوبی دارد. اگر به جای دفاع از حقوق زنان، برابری حقوق زن و مرد را مطرح کنیم، این امکان وجود دارد که حقوق زنان تحت تأثیر این برابری قرار گیرد و رعایت نشود، لذا به نظرمن باید به بحث دفاع از حقوق زنان پرداخت. در ماده ۱ کنوانسیون دو عبارت Purpose , effect وجود دارد که می‌تواند برای کشورهایی که بحث رزرو را مطرح می‌کنند مفید باشد. ایشان با

اشاره به مواد مختلف کنوانسیون منع هر نوع تبعیض علیه زنان، لـزوم اتخاذ سیاستهای روشن علیه هر نوع تبعیض علیـه زنـان، حمایـت از حقوق زنان در شرایط برابر با مردان، تعهد دولت‌های عـضو درمـورد جلوگیری از اعمال تبعیض علیه زنان و حصول اطمینـان از ایـن کـه مقامات دولتی به تعهدات خود وفادار باشند، نسخ تمام قوانین تبعیض آمیز علیه زنان، فراهم آوردن زمینـه‌هـای رشـد زنـان در عرصـه‌هـای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی با وضع قوانین مناسب، تأکیـد بـر اعطای حق انتخاب شـدن و انتخـاب کـردن زنـان، حـق شـرکت در تصمیم‌گیری و انجام کلیه وظایف دولتی، حق شرکت در سـازمانهای دولتی و غیر دولتی و اعطای حق مساوی به زنـان جهـت فعالیـت و ایفای نقش در سطح بین‌المللی را از جمله حقوقی بر شمرد که در این کنوانسیون به آنها اشاره شده است.

وی گفت رفع تبعیض در بخش کلی جنسی (sex) راحت‌تر است، ولی در بخـش جنـسیت اجتمـاعی (Gender) رفـع تبعـیض مشکل است و شرایط زمانی و اجتماعی مناسبت‌تری لازم دارد.

دیدار از شهر Malmo

روز شنبه ۲۶ ژوئن و یکشنبه ۲۷ ژوئن تعطیلات رسمی پایان هفته دانمارک بودو برنامه‌های علمی نیز به صورت تعطیل درآمد. فلذا فرصتی پیش آمد تا از Malmo اولین شهر مرزی سوئد دیدن کنیم. این سفر با قطار صورت گرفت. فاصله کپنهاک با این شهر ۳۵ دقیقه است و قطار از کانال ساخته شده در زیر دریای مانش عبور می‌کند. Malmo نیز شهری قدیمی و زیبا بود، لیکن به دلیل تعطیلی پایان هفته موفق به دیدار از مراکز قابل توجه این شهر نشدیم.

به لحاظ فرهنگی و نیز معماری ساختمانها بسیار به کپنهاک نزدیک بود و به رغم تعطیلی پایان هفته، از ترافیک و آلودگی هوا و آلودگی صوتی خبری نبود. در عین حال به لحاظ اقتصادی، قیمت اجناس بسیار بالا و غیر قابل قیاس با ایران بود.

دیدار از موزه ملی کپنهاک

بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۷ ژوئن (۸۳/٤/۷) در پایان تعطیلات هفتگی، هیأت از موزه ملی کپنهاک دیدن کرد، در این موزه سابقه تاریخی دانمارک به طرز زیبایی از طریق ارائه میراث فرهنگی این کشور به نمایش درآمده بود و نشان می‌داد که این کشور دارای سابقه تاریخی طولانی بوده و از فرهنگ قومی طولانی برخوردار بوده است.

عدالت انتقالی (Coping With Past Wrongs)

برنامه روز نهم سفر (دو شنبه ۲۸ ژوئن) در ساعت ۹ صبح در محل مرکز ملی حقوق بشر دانمارک با بررسی موضوع عدالت انتقالی توسط آقای Martin Mennecke, L.L.M شروع شد. این بحث در سه بخش، بررسی اشتباهات گذشته، مطالعه موردی دادگاه خاص عراق، دیوان کیفری بین‌المللی و موضع ایران و دانمارک در مورد آن ارائه شد. عدالت انتقالی به معنای تلاشهای ملی و بین‌المللی برای بازنگری اشتباهات گذشته است که علاوه بر قانون، به مباحث فلسفی، جامعه شناسی و .. هم توجه دارد. موضوع ایجاد دادگاهها برای رسیدگی به عملکرد رژیمهایی که از حکومت ساقط شده‌اند، ظرف ۲۰ سال گذشته مطرح شده است. امروزه در سراسر جهان موضوع عدالت انتقالی به یک قاعده قابل توجه همه کشورها تبدیل شده است و علاوه بر دانشگاهها، مؤسسات تحقیقاتی نیز در این باره تحقیق می‌کنند. دو سال پیش دولت دانمارک دفتر ویژه‌ای برای پیگیری جرائم بین‌المللی (نسل کشی، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت) تأسیس کرد. این دفتر تنها ناظر به مواردی است که شکایت علیه خارجیانی که در دانمارک هستند اقامه شده است. در دو سال اخیر ۵۹ پرونده مورد بررسی قرار گرفته است.

موضوع عدالت انتقالی با دو مسأله روبرست: اول چگونگی و مکانیزم روبرو شدن با خطاهای گذشته. دوم، مرجع رسیدگی به این خطاها.

دیوان بین‌المللی کیفری، در مواردی که به موضوعات ملی می‌پردازد، یک سری محدودیتها دارد. دیوانهای کیفری بین المللی اختصاصی مثل دادگاه یوگسلاوی (ICTY) و رواندا (ICTR) براساس فصل هفتم منشور ملل متحد ایجاد شدند. تشکیل این دادگاهها وقتی رخ می‌دهد که کشور مربوطه نخواهد یا نتواند برای رسیدگی به جنایات بین‌المللی چنین دادگاهی را تشکیل دهد و الا علی القاعده دادگاه باید در درون کشور تشکیل شود تا بیشترین حد تأثیر را داشته باشد.

امروزه تشکیل دادگاه بین‌المللی اهمیت فراوان یافته است. بعضی از دلایل این اهمیت عبارتست از: ۱ـ پایان جنگ سرد ۲ـ روند جهانی سازی که مستلزم مجازات جنایتکاران است. ۳ـ افزایش سازمانهای غیر دولتی و افزایش نقش جامعه مدنی مثل سازمان دیده‌بان حقوق بشر ٤ـ تحول حقوق بین‌الملل در قلمرو مفهوم عفو، حاکمیت و مصونیت حاکمان ٥ـ تغییر منازعات و مخاصمات از بین کشورها به درون کشورها که به همین جهت آسیب دیدگان مردم عادی غیر نظامی هستند. ٦ـ حضور پناهندگان از کشورهای جنگ زده در کشورهای دیگر.

دانمارک بدون تعامل با دیوان کیفری بین‌المللی دفتری را در این خصوص تشکیل داده است، البته اگر آن دادگاه درخواست کند موارد تحویل آنها می‌شود. دادگاههای کیفری گاهی صلاحیت سرزمینی دارند و گاه مثلا در نسل‌کشی، جرائم علیه بشریت، جرایم

جنگی و دزدی دریایی صلاحیت جهانی. درباره دادگاه کیفری عـراق نیز سه گزارش در اینترنت قابل مطالعه است:

1.www.usip.org

2.www.hrw.org/backgrounder/mena/iraq121703.htm

3.www.ictj.org

بازدید از صلیب سرخ دانمارک (Danish Red Cross)

پس از صرف ناهار برای دیدار از صلیب سرخ دانمارک عازم شدیم که مسؤول مربوطه توضیحاتی راجع به فعالیتهای این سازمان داد و با توضیحاتی راجع به حقوق بشر دوستانه (Humanitarian law) پروژه‌ای که در زمینه آموزش حقوق بشر دوستانه در دست اجرا دارند را تشریح کرد و گفت این پروژه تا سال ۲۰۰۵ به اتمام خواهد رسید و همه دانش‌آموزان و معلمین آموزش خواهند دید. این پروژه از محتوای جدید و مدونی برخوردار است و هدف از اجرای آن این است که تمام جوانان دانمارکی با مفاهیم حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و ارزشهای آن آشنا شوند.

گسترش ارزشهای انسانی موجب تفاهم و همبستگی مردم می‌شود. این پروژه چهار مرحله دارد: آماده سازی، اجرای آزمایشی، تولید، اجرای کامل.

آموزش حقوق بشر دوستانه جزئی از برنامه‌های آموزشی نیروهای نظامی است. وی سپس به فعالیت بخش پناهجویان اشاره کرد که از سال ۱۹۸٤ شروع شده است و دارای مراکز اقامتی برای پناهجویان است. وی گفت تا قبل از بررسی کامل وضعیت پناهجویان توسط صلیب‌سرخ، این افراد نباید وارد جامعه شوند. لذا سعی می‌شود تمام نیازهای آنها از جمله نیازهای آموزشی در این مراکز بر آورده شود. تمرکز ارائه خدمات آموزشی به جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال بیشتر است. تشکیل دوره‌های کارآموزی و آموزش حرفه‌ای و ایجاد

اشتغال از دیگر برنامه‌های بخش پناهجویان است. آنها در مراکز مختلف دارای نشریات هستند و به این وسیله از وضعیت هم مطلع می‌شوند.

علاوه بر آن مراکزی برای بازپروری پناهجویانی که در اثر شکنجه دچار مشکلات روانی شده‌اند وجود دارد و بالاخره مراکزی برای نگهداری افراد زیر ۱۸ سال و زنان مجرد ایجاد شده است.

برای حل مشکلات یک پناهجو و امکان ورود به جامعه دانمارک حدود یکسال وقت لازم است. در حال حاضر ٤٥٠٠ پناهجو در دانمارک به سر می‌برند.

حق پناهندگی(Right to Asylum)

بحث حقوق پناهندگان توسط آقای دکتر Kim U. Kjaer ارائه شد که خلاصه آن به شرح زیر است:

کنوانسیون حقوق پناهندگان در سال ۱۹۵۱ به تصویب رسید. این کنوانسیون به نوعی نتیجه جنگ دوم جهانی است. جامعه جهانی به این نتیجه رسید که مسأله پناهندگان و پناهندگی، موضوعی نیست که رأسا توسط کشورها بررسی شود و باید یک سیاست جهان شمول فراهم شود تا پناهجویان در پرتو آن به حداقل حقوق خود دست یابند. در این کنوانسیون دو قسمت خیلی مهم است. یکی ماده یک که پناهنده را تعریف می‌کند و دیگری حقوق پناهندگان شرایط پناهندگی عبارت است از: ۱- شخص از ترسی رنج ببرد (مستند به دلایل محکم) که اگر به کشور خودش بر گردد در معرض خشونت، زندان و یا تعقیب قرار گیرد. لذا ترس باید نسبت به آینده و نه گذشته باشد. البته اگر کسی قبل از ترک کشورش در معرض شکنجه یا زندان قرار گرفته باشد، ممکن است پس از بازگشت هم با این خطرات مواجه شود، لذا برای او ترس وجود دارد. ۲- فرد تحت آزار و اذیت باشد. اگر فردی هر روز به پلیس احضار شود و همسرش نتواند به بهداشت دسترسی داشته باشد یا فرزندانش نتوانند راحت درس بخوانند، تحت اذیت و آزار است.

آیا یک شب در زندان بودن می‌تواند مصداق آزار و اذیت باشد؟ پاسخ آن مثبت است، به شرطی که تحت شکنجه باشد و الا

صرف زندان نمی‌تواند مبنای مناسبی برای تحقق آزار و اذیت باشد. اگر مدت زندان طولانی باشد، یا زندان همراه شکنجه باشد مصداق آزار و اذیت است. ۳- ترس، مستند به دلایل نژادی، ملیت و مذهب یا عضویت در بعضی گروههای اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی و امثال آنها باشد. ٤-مدعی پناهندگی باید خارج از قلمرو کشورش قرار داشته باشد. لذا اگر در قلمرو کشور خودش باشد ولو تحت اذیت و آزار باشد مشمول پناهندگی نمی‌شود. پناهندگان باید از حق حیات، حق داشتن کار، حق برخورداری از اسناد هویتی برخوردار باشند. کنوانسیون پناهندگی ایجابا تعهدی برای اعطای پناهندگی ایجاد نمی‌کند، اما فقط تعهد ایجاد می‌کند که کشور محل پناهندگی، پناهنده را به کشور متبوعش مسترد نکند. اما در کنوانسیون اروپایی، پناهجویان حق دارند در صورت جمع شرایط مجوز اقامت بگیرند. دلایل تاریخی موجب شده تا آوارگی بخاطر شرایط اقتصادی موجب پذیرش نباشد هر چند از لحاظ منطقی مبنایی برای تفکیک وجود ندارد. چه تفاوتی می‌کند که مرگ ناشی از دلایل سیاسی باشد یا ناشی از پیدا نکردن کار.

دیدار با دستیار مؤسسه حقوق بشر دانشگاه لوند سوئد
(Raoul Wallenberg Institute)

پیرو هماهنگی های انجام شده برای اینکه در مدت حضور در دانمارک دیداری نیز با مسئولین یکی از نهادهای برجسته حقوق بشر سوئد که از قبل نیز با کمیسیون تعاملاتی داشته، برگزار شود، در ساعت ۷ بعد از ظهر روز ۲۸ ژوئن دیداری با آقای Rolf Ring دستیار رئیس مؤسسه حقوق بشری سوئد صورت گرفت. وی توضیح مفصلی در خصوص فعالیتهای آموزشی این مؤسسه و امکان همکاری متقابل با کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران ارائه داد و اعلام آمادگی کرد دوره‌های مشابهی در مؤسسه تحت نظرش برای همکاران ایرانی خود برنامه‌ریزی کند. مؤسسه مزبور غیر دولتی و مستقل است و در سال ۱۹۸٤ تأسیس شده است. اما برنامه‌های آن از طرف دولت سوئد حمایت مالی می‌شود. تفاوت این مؤسسه با مرکز ملی حقوق بشر دانمارک این است که این مؤسسه صرفا یک تشکیلات آموزشی و پژوهشی در زمینه حقوق بشر است. در سوئد نهاد ملی حقوق بشر وجود ندارد. لیکن براساس یک سنت قدیمی بررسی مسائل حقوق بشر بر عهده آمبودزمان (ombudsman) است.

برنامه‌های آموزشی مختلفی در این مؤسسه برگزار می‌شود که بعضی از آنها از امکانات بورسیه دولت سوئد هم برخوردار است. هدف این مؤسسه ظرفیت‌سازی برای پیشبرد و حمایت از حقوق بشر

است. دارای یک کتابخانه تخصصی است که در اروپا بی‌نظیر است و نقش به سزایی در اجرای برنامه‌های تحقیقاتی دارد. آقای رولف رینگ آمادگی مؤسسه خود را برای جذب دانشجویانی که از سوی کمیسیون حقوق بشر اسلامی معرفی شوند اعلام کرد و با در نظر داشتن مشکلات و موانع موجود بر سر راه همکاریهای مشترک که بعضا در گذشته نمود یافته و عمدتا به برداشتهای نادرست حکومت ها مربوط می شده، آمادگی موسسه را برای همه نوع همکاری در حوزه تخصصی موسسه اعلام کرد.

بازدید از مرکز پلیس در حومه کپنهاک
(Police Station in Glostrup)

برنامه روز سه‌شنبه ۲۹ ژوئن ساعت ۹ صبح با بازدید از مرکز پلیس در حومه کپنهاک شروع شد که حدود ۲ ساعت به طول انجامید. این مرکز در سال ۱۹۶۰ به دنبال گسترش منطقه جغرافیایی کپنهاک تأسیس شده است. آقای (Jorn Bro) رئیس پلیس، شخصیتی متین، جدی و منضبط بود که به شدت از اینکه ٤٠ سال است این لباس را به تن دارد به خود می‌بالید. او به رغم بارندگی شدید، یک ربع ساعت در محل ورود به مرکز پلیس منتظر هیأت ایستاده بود و پس از استقبال گرم از هیأت در سالن پیش‌بینی شده مستقر گردید و راجع به وظایف پلیس و نقشی که در حفظ حقوق مردم دارد، توضیح داد. وی گفت در دهه ۵۰ دانمارک ثروتمند شد و برجنگ و فقر ناشی از آن غلبه پیدا کرد. در نتیجه جمعیت از کپنهاک به خارج شهر منتقل شد تا فضای آزادی داشته باشند. ما در عمق روحمان هنوز کشاورز هستیم، ولی در اثر ثروتمند شدن این قسمت کپنهاک رشد پیدا کرده و در حال حاضر ١٦٥ هزار نفر جمعیت دارد. ۳۰ سال پیش مردم اینجا کشاورزی می‌کردند ولی زمینها غالبا بایر بود، اما حالا کنار دریا، پلاژ و جنگل بسیار عالی درست کرده‌ایم. اما در کنار توسعه، جنایت و جرم هم هست، لذا درصد ارتکاب جرم در این ناحیه بالاتر از درصد متوسط کشور است؛ هر چند ظرف پنج سال گذشته این نرخ ثابت مانده است. زیرا میانگین سن مردم بالا رفته و

بلوغ فکری پیدا کرده‌اند. این ناحیه شامل شش منطقه شهرداری می‌شود و همکاری با مناطق شهرداری در زمینه دفاع اجتماعی، مسأله کودکان، در ادامه حیات پلیس مساله حیاتی است. همکاری با شهرداری شامل مسائل مربوط به رفاه اجتماعی هم می‌شود، زیرا موفقیت خود را در این همکاری می‌دانیم.

رئیس پلیس، تحت نظر چند مقام بالاتر از خود است. در مسائل مربوط به نظم و امنیت به عنوان رئیس ظابطان قضایی زیر نظر دادستان عمومی است. در مورد بودجه تحت نظر کمیسیاریای ملی است، اما در اداره امور روزمره کاملا مستقل است. دانمارک ۵ میلیون و دویست هزار نفر جمعیت و ٥٤ ناحیه پلیس دارد که این ناحیه در رده چهارم است و من فرماندهی پلیس محلی و ضابطین قضایی را بر عهده دارم. سیستم پلیس با ترکیب فعلی در سال ۱۹۳۸ ایجاد شده است. آنچه در دهه ۳۰ در اروپا اتفاق افتاد موجب گریز مردم از سیستم متمرکز پلیس شد، زیرا نگران بودند که این سیستم به سوی کارهای سیاسی سوق داده شود.

در کشورهای اسکاندیناوی، دستگاه پلیس و دادستانی دستگاه واحدی را تشکیل می‌دهند که این نظام به لحاظ تمرکز دو سازمان در یک سیستم، مورد بحثهای مختلف قرار گرفته، ولی مهم آن است که این نظام در عمل به خوبی کار می‌کند. در این مرکز ٣٦٠ نفر پرسنل وجود دارد که ٢٦٠ نفر آنها پلیس و ۷۰ تا ۸۰ نفر در بخش اداری و ۱۵ نفر آنها حقوقدان هستند که در رأس آنها دادستانها وجود دارند که نظارت بر پلیس را هم بر عهده دارند و من هم حقوقدان

هستم. به موجب قانون، قضات و رؤسای پلیس باید از میان حقوقدانان انتخاب شوند. (ترکیب قدرت و حقوق).

از نظر ما بر قراری ارتباط با مردم مهم است. در کل کشور ۱۰ هزار نیروی پلیس داریم که بدون ارتباط خوب با شهروندان نمی‌توانیم با این تعداد سرویس دهی خوبی داشته باشیم و لذا همواره در صدد حفظ ارتباط با گروههای مختلف اجتماعی هستیم. ما در این منطقه چهارشعبه فرعی داریم که به طور معمول ۱۰ تا ۱۲ نفر در آنجا خدمت می‌کنند و به خوبی اشرار منطقه را شناسایی کرده‌اند و بر آنها اشراف دارند.

در دانمارک نیز مانند سایر کشورهای اروپایی اقدامات مجرمانه در سالهای ٦۰ تا ۹۰ به اوج خود رسید؛ هر چه ثروتمندتر شدیم، نرخ رشد اقدامات مجرمانه نیز افزایش یافت. در سال ٦۰ اقدامات مجرمانه به ۲۵۰ هزار فقره رسید، ولی امروز به ۵۰ هزار فقره کاهش یافته است و در این حد تثبیت شده است.

از ۳۰ سال پیش در پلیس دانمارک نظام (School, social Group,Police) ssp یعنی پلیس و گروههای اجتماعی و مدرسه برقرار شده و در قالب این تعامل نحوه برخورد با متخلفین جوان برنامه‌ریزی می‌شود که این روش موفقیت آمیز بوده است.

دانمارک کشوری آرام و مسالمت جوست، لذا نرخ قتل در این کشور به ۵۰ تا ۵۵ فقره در سال محدود می‌شود. جمعیت این کشور به طور کلی قانون پذیر است و این حالت یک پشتوانه هزار ساله دارد. در عین حال سرعت عمل پلیس خیلی زیاد است. برای

مثال اگر کودکی اطلاع دهد که والدین او در حال مشاجره هستند، پلیس سریع در محل حاضر می‌شود.

سایر جرائم مهم مانند سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف نیز در این کشور نرخ پائینی دارند و به چند مورد محدود می‌شود. در سالهای اخیر برای مبارزه با خشونت علیه زنان و کودکان هم برنامه‌ریزی شده است لیکن جرائم مربوط به مواد مخدر به طور سازمان یافته در حال افزایش است. در دهه ٦٠ این جرائم وجود نداشته، اما در نتیجه رفتار بسیار ملایم پلیس، الآن با این مشکل مواجه شده است. مشکل سالهای گذشته اعتیاد به الکل بود و مشکل امروز هروئین و حشیش است. در حال حاضر حدود ده هزار نفر معتاد به هروئین وجود دارد و به نظر می‌رسد خطر آینده این کشور استفاده از کوکائین باشد که ماده‌ای فریبنده است. این ماده با ذهن و هوش افراد سروکار دارد و وسوسه‌آمیز است. معمولا معتادین به هروئین از پائین‌ترین سطح اجتماع هستند، اما مصرف کنندگان کوکائین از اقشار تحصیل کرده و باهوش هستند. تا سال ۱۹۹۰ مهاجرین نسل اول در این زمینه مشکل کمی داشتند ولی به تدریج این روند تغییر کرده است و اما نسل دوم مهاجرین برای پلیس مشکلات زیادی ایجاد می‌کنند.

براساس قانون اساسی دانمارک، پلیس فقط می‌تواند متهمین را برای ٢٤ ساعت بازداشت کند. ارتباط پلیس با مردم روبرو و سطح به سطح (face to face) است، نه از بالا به پائین. پلیس برای هدایت مردم است تا با این کار متخلفین را از عامه مردم جدا کند.

پیشگیری از جرم بر عهدهٔ پلیس محلی است، لیکن یک شورای ملی برای پیشگیری از جرم زیر نظر وزیر دادگستری وجود دارد که نمایندگان سازمانهای مختلف در آن حضور دارند. پیشگیری و برخورد با جرم دو روی یک سکه است و پلیس با هر دو جنبه برخورد می‌کند.

در زمینه بازجوئی از کودکانی که مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند برای حفظ کرامت آنها و جلوگیری از حضور مکرر در مراجع مختلف قضایی، اتاق مخصوصی در محل پلیس وجود دارد که با اسباب بازیهای کودکانه تجهیز شده و بازجوئی از او با نظارت وکیل طرفین که از طریق یک روزنهٔ شیشه‌ای به اتاق جنبی آن راه دارد، ضبط ویدئویی می‌شود و این سند برای ارائه به دادگاه کافی است و لزومی به حضور مجدد او در دادگاه نیست. بازجوئی از این کودکان توسط اشخاص متخصص صورت می‌گیرد تا اطمینان بخش باشد. در این اتاق ساعت و تقویم خاصی در معرض دوربین قرار دارد تا لحظه لحظه بازجوئی با ساعت و تاریخ مشخص باشد.

نقش جامعه مدنی در ارتقای حقوق بشر

(The Role of Civil Society in Promotion of Human Rights)

در ساعت ۱۳ بحث نقش جامعه مدنی در ارتقای حقوق بشر توسط خانم دکتر Lis Dhundale ارائه شد که خلاصه مباحث بشرح زیر ایفاد می گردد:

جامعه مدنی عبارت است از یک سازمان غیر انتفاعی غیر دولتی که در محدودهٔ فعالیت جامعه مدنی توسط گروهی از افراد تأسیس می‌شود که علاوه بر فعالیت در حوزه جامعه مدنی به ایجاد وبسط جامعه دمکراتیک نیز کمک می‌کند. شرایط تحقق آن عبارتست از:

۱- Non Profit (غیر انتفاعی بودن)

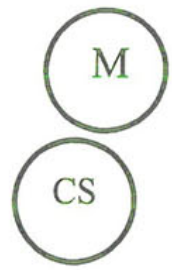
۲- Non – Govermental organization (غیر دولتی بودن)

۳- Organized by group of People in the Share Society. of Civil (سازماندهی شدن تعدادی افراد برای شرکت در جامعه مدنی)

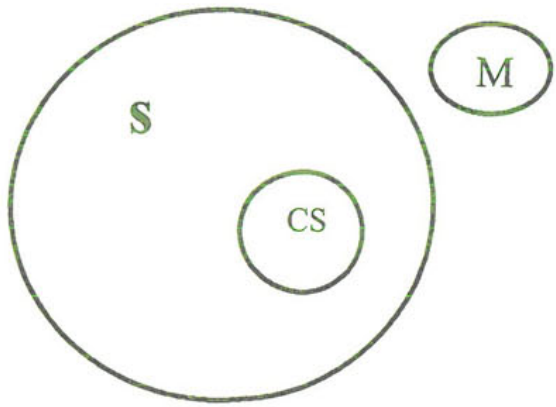
٤- Contribute to the development of Society (شرکت در توسعه جامعه دمکراتیک)

البته در مورد شرط چهارم اتفاق نظر وجود ندارد.

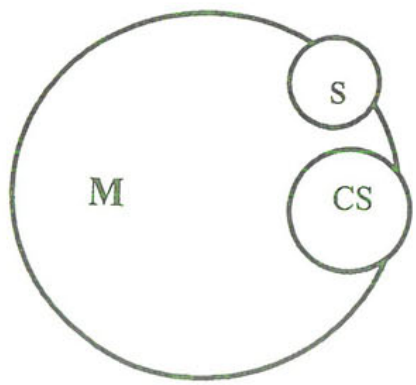
این تعریف در سال ۱۹۹۲ توسط سازمان ما پذیرفته شد. بعدا تعریفی که در دانشکده اقتصاد لندن ارائه گردید، پذیرفته شد. در تعریف به بحث ساماندهی شدن تعدادی افراد برای رسیدن به اهداف خاص اشاره شده بود، اما در تعریف جدید صحبت از ایجاد تشکلهای مردمی برای مقاصد گوناگون و نه صرفا تحول و ایجاد جامعه دمکراتیک شده است. جامعه مدنی مجموعه‌ای از نهادها و سازمانها و رفتارهایی است که در بین حکومت، جامعه تجاری و خانواده برقرار است. جامعه مدنی لزوما در جهت تقویت بخشی از امور نیست، بلکه می‌تواند جنبه تعارض با بعضی بخشها را هم شامل شود. در زندگی روزمره سه بخش جامعه مدنی، حکومت و بازار باهم ممزوج هستند. نحوه تعامل این سه بخش بستگی به نوع حکومت دارد. مثلا سیستم حکومتی چین قدیم در زمان مائو به این صورت بود که جامعه مدنی و بازار هم تحت پوشش حکومت بوده است و حکومت (S) برای جامعه مدنی (CS) و بازار (M) نقش تعیین می‌کرد.



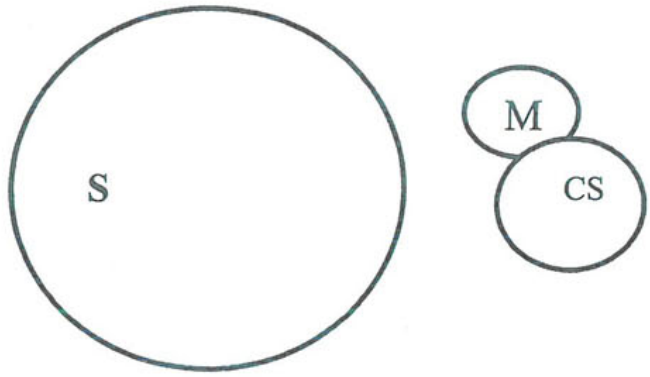
اما در چین بعد از اصلاحات، با دادن یک سری آزادی عمل به جامعه مدنی و بازار، بخشی از فعالیتهای جامعه مدنی و بازار از کنترل حکومت خارج گردید و به این شکل ساماندهی شد:



اما در مدل ایالات متحده آمریکا بازار نقش اصلی را ایفا می‌کند



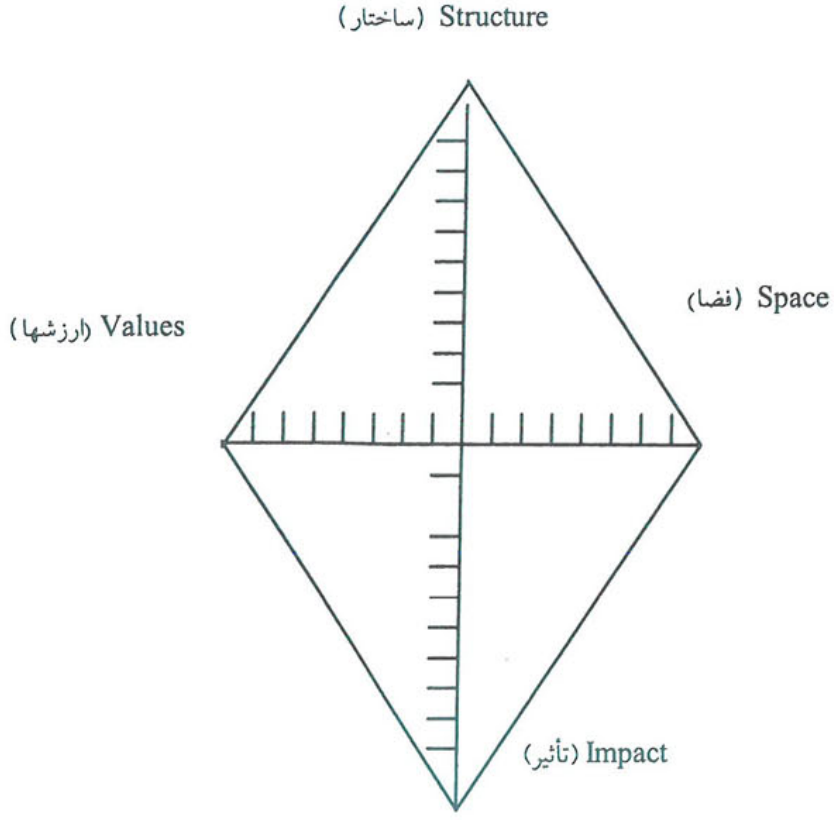
مدل کشورهای اسکاندیناوی این است که حکومت از قدرت زیاد برخوردار است و در عین حال برای جامعه مدنی و بازار هم نقش تعریف می‌کند که آنها همپوشانی‌هایی با هم دارند. تلاش دولت این است که جامعه مدنی و بازار را تشویق کند تا مسؤولیتهای بیشتری را قبول کنند.



مسؤولیتهای اجتماعی در آمریکا و چین بر عهده دولت است، ولی سعی دارند که این مسؤولیت به سازمانهای اجتماعی منتقل شود. این مساله در آمریکا یک سنت است. در مدل اسکاندیناوی یک روند همکاری فزاینده بین بازار و حکومت و جامعه مدنی ملاحظه می‌شود. در اینجا دولت، جامعه مدنی را تشویق می‌کند که مثلا به سمت تشکیل مؤسسات آموزشی خصوصی پیش بروند که در کنار مؤسسات عمومی حرکت کنند. دولت همچنین بازار را تشویق می‌کند که در زمینه یک سری از خدمات اجتماعی فعالیت کند. در عین حال بازار هم برای رسیدن به اهداف خودش به مسایل حقوق بشر توجه

کرده است. در زمینه حوزه مشترک بین بازار، جامعه مدنی و دولت می‌توان در بحث جایگزینهای انرژی مثالی زد. جامعه مدنی مخالف فعالیت هسته‌ای است، لذا دولت نتوانسته به طرف آن برود. ولی در مقابل در خصوص استفاده از نیروی باد و سایر انرژیها، جامعه مدنی موافق است و بازار و حکومت هم در این زمینه علاقه‌مند هستند و لذا با هم، هم پوشانی دارند.

مدل دیگری از جامعه مدنی وجود دارد که به آن (الماس جامعه مدنی) می‌گویند، چون شبیه نگین انگشتری است. این مدل یکی از روشهای ارزیابی جامعه مدنی در کشورهاست.



این نظارت تنها در مورد حقوق بشر نیست، بلکه همه انواع گروه‌ها که ایده‌های بشر دوستانه دارند را شامل می‌شود. در واقع یک ابزار برای ارزیابی جامعه مدنی است.

STRUCTURE به تعداد سازمانهای مدنی به نسبت جمعیت بر می‌گردد و اینکه اندازه این سازمانها چقدر است. همچنین اینکه آیا این سازمانها نماینده تمام بخشهای جامعه هستند یا بخشی از جامعه مثل مناطق شهری در آن نقش دارند. همچنین به این نکته توجه دارد که آیا آنها داوطلب هستند یا پول دریافت می‌کنند. آیا آنها بزرگند یا کوچکند؟ VALUE بیشتر به ارزشهای حاکم در داخل سازمانهای موجود در جامعه مدنی می‌پردازد تا چه ارزشهایی داخل جامعه مدنی را در بر می‌گیرند. همچنین اینکه آیا این سازمانها شامل تمام ملیتها و مذاهب و نژادها می‌شود یا خیر؟ همچنین آیا عملکرد این سازمانها به لحاظ بودجه و نحوه تصمیم‌گیری شفاف است یا خیر؟ همچنین به ارزشهایی که این سازمانها در صدد ارتقا دادن آنها در جامعه هستند توجه می‌کند و بالاخره اینکه آیا این ارزشها مثبت است یا منفی؟

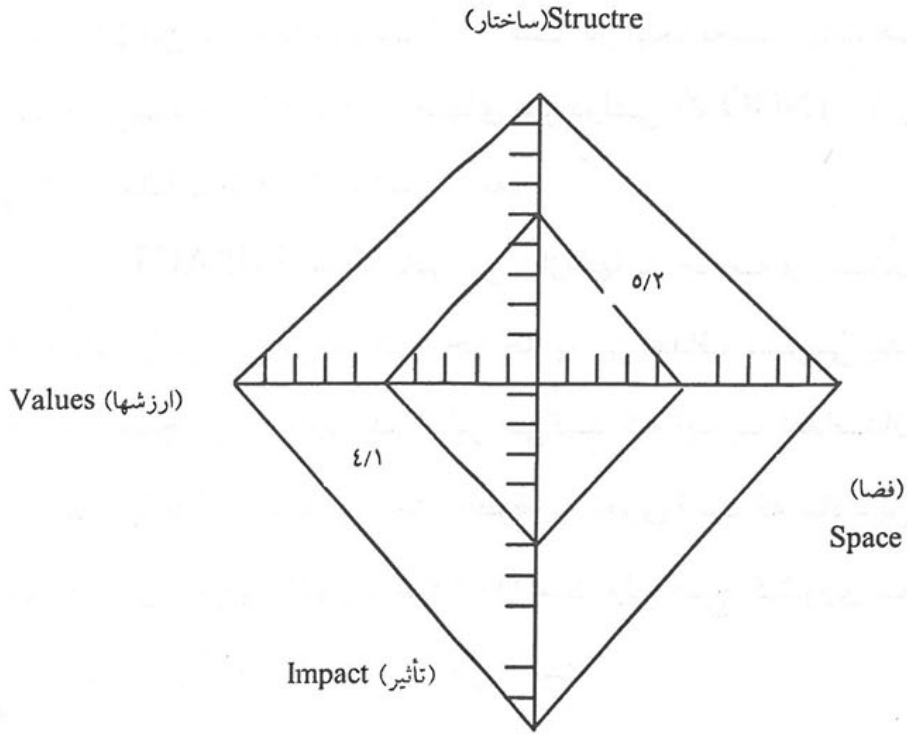
SPACE بعد فضا و محیط سیاسی است و اینکه حکومت چه نوع فضای سیاسی را برای فعالیت این سازمانها مهیا کرده است. اینکه در هر کشوری دولت تا چه اندازه به این سازمانها اجازهٔ عمل می‌دهد.

وقتی به این بعد توجه می‌کنید در واقع به بعد قانونگذاری هم توجه کرده‌اید. یعنی باید مشخص شود که دولت چه قوانینی برای میدان پیدا کردن این سازمانها تصویت کرده است. در اینجا بحث مالیات هم مطرح می‌شود که آیا دولت سازمانهای غیر دولتی (NGO's) را از پرداخت مالیات معاف کرده است یا نه؟

IMPACT مسأله تأثیر این سازمانها در جامعه و رسیدن به اهداف را بررسی می‌کند که تا چه حد به این اهداف دسترسی پیدا کرده‌اند. همچنین در اینجا هم تأثیر می‌کند که آیا به اهدافشان رسیده‌اند یا نه؟ درجه‌بندی داخل خطوط به نحوی است که بالاترین حد آن برای ارزیابی کشورها عدد (۱۰) است ولی هیچ کشوری به طوریکسان در تمام ابعاد حرکت نکرده است.

نمودار زیر ارزیابی جامعه مدنی پاکستان است:

ساختار ۵/۲
فضا ٤/٥
ارزشها ٥
تأثیر ١/٤



به این صورت است که وقتی دولتها علاقه‌ای به ارتقای حقوق بشر ندارند ناچاریم به سازمانهای غیر دولتی (N.G.Os) مراجعه کنیم.

ولی وقتی دولتی اراده می‌کند که کنوانسیونهای بین‌المللی را تصویب کند به این معناست که می‌توان با آن دولت کار کرد. به نظر من پارلمان بیشترین مقاومت را در مقابل جامعه مدنی می‌کند. معیار ارتقای حقوق بشر عبارت است از:

۱- خدمات (Service)؛ بعضی از سازمانها خدمات حقوق بشری ارائه می‌دهند. در اصل ارائه خدمات بر عهده دولت است، اما دولت به تنهایی قادر به انجام این وظیفه نیست. لذا سازمانهای غیر دولتی (Ngo's) بخشی از این وظیفه را بر عهده می‌گیرند. ارائه این خدمات به اشکال مختلف است مثل کمک به کسانی که دارای مشکل مصرف الکل هستند یا کمک به ایجاد سرپناه برای کسانی که سر پناه ندارند و کمک در امر آموزش.

۲- استقلال (Independent)؛ شرط دیگر فعالیت سازمانهای غیر دولتی برای ارتقای حقوق بشر، فعالیت مستقل آنهاست. کمک بخش اول به یک فرد داده می‌شود، اما فعالیتهای مستقل مربوط به خدمات به جمع است. مثل مبارزه علیه استفاده نامشروع از انرژی اتمی. بخش اول بیشتر خدمات بشر دوستانه به یک فرد است و بخش دوم ارائه خدمت به بشریت است.

۳- اصلاح (Reform)؛ اصلاحات خصیصه اصلی فعالیت سازمانهای غیر دولتی است. این سازمانها برای اینکه بر فعالیتهای حقوق بشری دولت نظارت کنند اسناد و اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند و به عنوان دیده‌بان عمل می‌کنند. این فعالیت مربوط به سازمانهای غیر انتفاعی که علاقه دارند با دولت همکاری کنند نیز می‌شود. لذا آنها به دولتها نزدیک می‌شوند تا بتوانند بر تصمیم‌گیریهای دولت تأثیر بگذارند. در این بخش سازمانهای غیر دولتی، هم با دولت خصمانه عمل می‌کنند و عملکرد دولت را نقد می‌کنند و هم به دولت کمک می‌کنند تا وظایفش را انجام دهد.

بازدید از اردوگاه پناهندگان
(Asylum Centre Kongelunden)

در ساعت ۱۶عازم بازدید از اردوگاه پناهندگان شدیم. محل این اردوگاه در زمان جنگ سرد برای سربازان ایجاد شده بود. فضای بسیار سبز و زیبایی داشت. درب ورودی اردوگاه باز و قفل و بست نداشت. گزیده ای از یافته های هیئت ایرانی در این اردوگاه به شرح زیر است:

در حال حاضر ۱۵۰ نفر در اینجا مستقر هستند که ۵۰ پناهجوی آنها ساکنین عادی و ۱۰۰ نفر در بخش ویژه هستند که احتیاج به مراقبتهای ویژه به لحاظ مسائل روانی دارند. ۷۰٪ آنها دچار یک حالت روانی ناشی از فشار عصبی هستند. کسانی هم هستند که دارای مشکلات جسمی هستند. بعضی از آنها با خانواده و بعضی تنهایی زندگی می‌کنند. یک سوم این افراد مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته‌اند. در مدتی که پرونده پناهجویان مورد بررسی قرار می‌گیرد به آنها مقرری پرداخت می‌شود. برای بزرگسالان مجرد مبلغ ۴۰ کرون در روز و متأهلین برای هر فرد ۳۲ کرون در روز، برای مجردین ۹۰۰ کرون در هفته، یک خانواده همراه دو فرزند ۳۳۷۰ کرون برای دو هفته. افراد مقیم باید غذا را خودشان تهیه کنند. در این اردوگاه تعدادی ایرانی هم حضور داشتند که بنا به ادعای مسئولین اردوگاه به دلیل ملاحظاتی حاضر به دیدار با هیأت نشدند. روند متعارف رسیدگی به وضعیت افراد پناهجو ۹ تا ۱۰ ماه است، ولی

افرادی هم هستند که ۱۰ سال شده بلاتکلیف و در این وضعیت به سر می‌برند به دلیل اینکه کسی تصمیم ندارد آنها را به کشور متبوع خود برگرداند و کشوری هم نیست که بتوان آنها را به آنجا برگرداند و مطمئن بود. برای مثال فلسطینی‌ها کجا بروند؟ اگر آنها را نپذیریم چه کنیم؟ شاید از لبنان آمده باشند، اما آیا باید آنها را به لبنان برگرداند؟ لبنانی‌ها قبول نمی‌کنند. اگر کسی داوطلب بازگشت به کشورش باشد می‌تواند تا ۱۸ ماه در اینجا اقامت داشته باشد و بعد برگردد.

در مقایسه وضعیت موجود اردوگاه با آنچه قبلا بیان شده بود محدودیتهای دولت محافظه‌کار نسبت به فعالیتهای حقوق بشری در درجه اول به مسائل پناهندگان که موضوع اصلی حقوق بشر در جوامع اروپایی است باز می گردد. در نتیجه تضییقاتی که اتحادیه اروپا و خصوصا دانمارک نسبت به پناهندگان اعمال کرده‌اند، وضعیت اردوگاه نسبت به گذشته به نحو محسوسی وخیم‌تر گشته و ملاحظات انسانی نسبت به پناهندگان با بی‌اعتنایی روبروست. آمار بالای مصدومین روانی در اردوگاه، عدم تأمین بودجه کافی برای اردوگاه و فقدان چشم‌انداز امیدبخش در سرنوشت پناهندگان به دلیل وضع قوانین محدود کننده تأثیر نامطلوبی بر وضعیت ایشان گذاشته است.

آزادی مذهب و نقش مذهب در حقوق بشر مدرن
(Freedom of Religion and the Role of Religion in the Modern Human Rights World)

چهارشنبه ۳۰ ژوئن یازدهمین روز حضور در کپنهاک با هوای آفتابی آغاز شد. بحث این روز را خانم دکتر Eva Maria Lassen ارائه داد که خلاصه مطالب مطروحه به این شرح است: " از آنجا که این موضوع گسترده است، آنرا به آزادی مذهب در دانمارک محدود می‌کنم.رژیم دانمارک سلطنتی است و تمام شهروندان از آزادی کامل مذهبی برخوردار هستند، غیر از ملکه که باید عضو کلیسای رسمی کشور باشد. البته در دانمارک آزادی مذهبی هست، ولی برابری مذهبی نیست. زیرا به موجب اصل ٤ قانون اساسی کلیسای لوتری، به عنوان کلیسای رسمی دانمارک بر گزیده شده است. نام این کلیسا به زبان دانمارکی (Folkekirken) به معنای کلیسای مردم است، هر چند از نظر مالی توسط دولت اداره می‌شود. در اینجا دو جامعه مذهبی وجود دارد: اکثریت (۷۸٪) تابع کلیسای رسمی هستند و بقیه تابع سایر کلیساها. یک جامعه یهودی ۷ هزار نفره وجود دارد و ۳٪ جمعیت مسلمان و ۵٪ نیز به هیچ جامعه مذهبی تعلق ندارند. به موجب قانون اساسی مصوب ۱۸٤۹ کلیسا خود مختار و مستقل در اداره خود است و باید قوانین خاصی برای اداره کلیسا وجود داشته باشد و امور کلیسا توسط اسقفها اداره شود ولی نه چنین قانونی و نه چنین دولتی هیچگاه تشکیل نشده است، لذا

اداره کلیسا عملا در اختیار پارلمان و دولت است و الآن وزارت کلیسا یا وزارت امور مذهبی (Kirke ministeriet) اداره آنـرا بـر عهـده دارد و وزیر امور مذهبی از طرف نخـست‌وزیـر انتخـاب مـی‌شـود و کشیش‌ها به عنوان مـستخدمین دولـت از مزایـای فـراوان برخـوردار هستند که این سیستم باعث تنزل حقوق بشر در دانمارک شده اسـت؛ زیرا سطح آزادی مذهب را کاهش داده است. ظرف دو سـال گذشـته وضعیت مذکور از طرف وزیر کلیسا مورد انتقاد قرار گرفته اسـت. او که ۳۰ سال سابقه کشیشی دارد برای نظارت بر امور کلیسا بسیار فعال است، به نحوی که موجب خشم کلیسا شـده اسـت. وزیـر قبلـی بـه صراحت اعلام کرد که به هیچ یک از مذاهب پایبند نیـست، ولـی در عمل حقوق همه مذهبی‌ها را رعایـت مـی‌کـرد. وزیـر جدیـد بـسیار مذهبی است، ولی تحمل اقلیتهای مذهبی را ندارد و در مـواردی کـه می‌بایست از حقوق آنها دفاع کند به وظایف خود عمل نکرده اسـت. مشکلات دانمارک در زمینه رعایت حقوق اقلیتهـای مـذهبی عبـارت است از:

۱- فقط کلیسای رسمی برای تـدفین امـوات محـل خاصـی دارد و هر کس بخواهد مرده خود را در جای خاصی دفن کنـد بایـد زمین را از این کلیسا خریداری کند. در حـال حاضـر مـسلمانان نیـز محلی برای تدفین مرده‌های خـود ندارنـد و بایـد زمـین را از کلیـسا خریداری کنند و طبق مراسم کلیسا مرده‌ها را دفن کنند که هزینـه آن سرسام آور است. مسلمانها در گذشـته زمینـی را از کلیـسای رسـمی خریداری کردند و وزیر قبلی که خیلی بردبار بود با اینهـا همـدردی

می‌کرد و سعی می‌کرد این زمین را مجانی از کلیسا بگیرد ولی وزیر فعلی دنبال حل این مشکل نیست و معتقد است مسلمانان هم باید یا مرده‌ها یشان را در همانجا که کلیسا دفن می‌کند، دفن کنند و یا هر کاردیگری می‌خواهند انجام دهند

۲- بخشی از مالیاتهای پرداختی از طرف مردم از جمله اقلیتهای مذهبی، متعلق به کلیسای رسمی است که این روش مخالف قانون اساسی است زیرا به موجب قانون اساسی هرکس باید از مذهبی که به آن تعلق دارد حمایت کند.

۳- هرکس در دانمارک متولد می‌شود و یا فوت می‌کند باید آنرا در کلیسا ثبت کند و گواهی تولد و برگه هویت باید به امضای کلیسا برسد که بخشی از وظایف دولت است. این روش مورد اعتراض مسلمانان و یهودی‌ها است. اما انجام بقیه وقایع چهارگانه خارج از حوزه کلیسا است. ازدواج و طلاق براساس رسوم مذهبی اقلیتهای مذهبی انجام می‌شود و بعد آنرا در مراجع دولتی ثبت می‌کنند. طلاق مذهبی رسمیت ندارد و باید به مراجع خاصی که برای این کار پیش‌بینی شده است مراجعه کنند. در ماه گذشته ۵ نفر کاتولیک در خصوص گران بودن هزینه کفن و دفن کاتولیکها علیه دولت شکایت کردند و در نظر دارند اگر به نتیجه نرسند به دادگاه اروپایی حقوق بشر شکایت کنند. به نظر می‌رسد نتیجه رسیدگی به این شکایت یک سلسله تغییراتی را در امتیازات مذهب رسمی در پی‌داشته باشد، خصوصا در مواردی مثل ثبت اجباری تولد و مرگ در کلیسا که هیچ ارتباطی هم به قانون اساسی ندارد.

٤- سیستم آموزشی به نفع کلیسای رسمی عمل می‌کند. تمام کشیشهای کلیسای رسمی می‌توانند برای ادامه تحصیل به دانشگاههای رسمی کشور وارد شوند، در حالی که اقلیتهای مذهبی باید از طریق هیأت مدیره دانشگاه پذیرش دریافت کنند و کلیه هزینه‌ها را بپردازند.

در دانمارک، اسقف اعظم وجود ندارد، لذا نظارت کلیسا متعدد است. در تصویب قوانین فقط در موضوعاتی که مربوط به کلیساست، رعایت نظر کلیسا لازم است، اما در بقیه موارد اجباری به رعایت نظر کلیسا نیست. حتی اگر اسقفها در مورد مسائل خارج از حوزه کار خود مثل بحث پناهندگان اظهار نظر کنند، مورد اعتراض قرار می‌گیرند.

کلیسا حق قانونگذاری ندارد. حتی لوایح مذهبی را هم کلیسا به مجلس ارائه نمی‌دهد، ولی اگر قانونی در امور مذهبی در مجلس مطرح شود، برای اظهار نظر کلیسا هم ارسال می‌شود و چون پارلمان به کلیسا احترام می‌گذارد، نظرش را رعایت می‌کند و هیچگاه قانون مخالف نظر کلیسا تصویب نشده است.

اما قضات کاملا مستقل هستند و هرگز تصور نمی‌شود که قضات به نفع کلیسا وارد معرکه شوند. قضات خود را فراتر از این موضوعات می‌دانند.

به رغم اینکه اکثریت مردم به کلیسای دولتی تعلق دارند ولی کمتر به کلیسا می‌روند و هیچگاه توجهی به نظرات کلیسا ندارند و در مجموع جامعه دانمارک یک جامعه سکولار است. پیروان دیگر

مذاهب از آزادی کامل برخوردار هستند، دارای مدارس ویژه خود هستند و دولت تا ۹۰٪ هزینه‌های این مدارس را تأمین می‌کند.

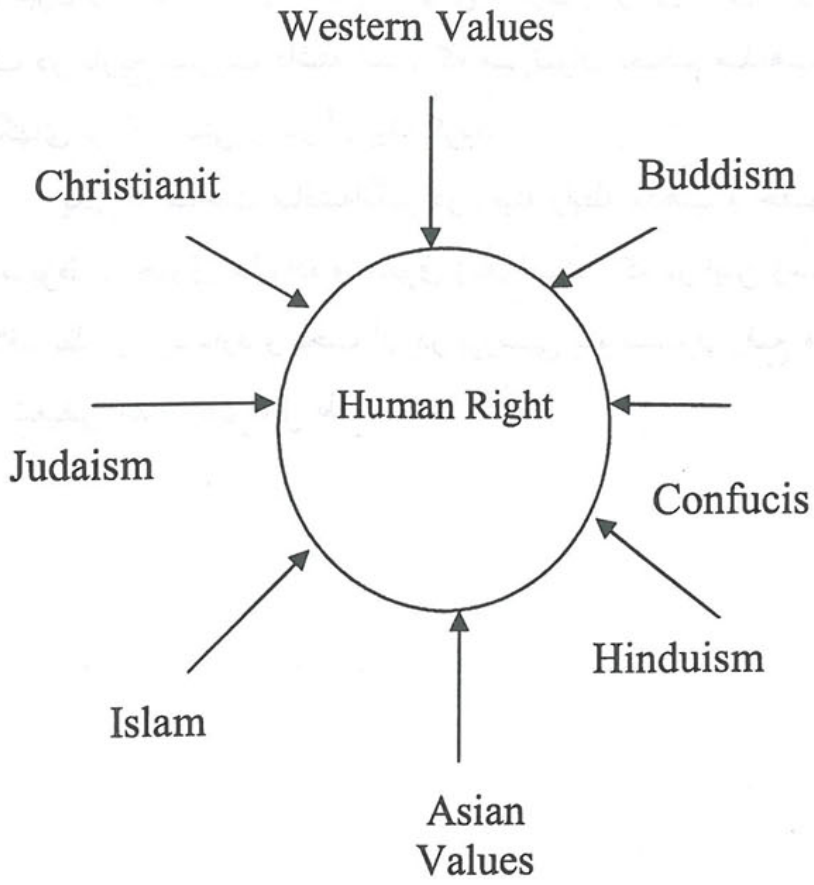
بخش دوم بحث راجع به نقش مذهب در حقوق بشر مدرن و تحولات پنجاه سال گذشته است. از سال ۱۹٤۸ «زمان تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر» به نظر رسیده که اسناد مختلف حقوق بشر، مذاهب مختلف را مقید به رعایت اعلامیه مذکور کرده است. اما محققین در بررسیهای خود به این نتیجه رسیده‌اند که دلایل متعددی وجود دارد که مذهب در تحقق حقوق بشر نقش مهمی دارد که دو دلیل عمده آن عبارت است از:

۱- در مرحله عمل، اجرای حقوق بشر با فرهنگهای مذهبی مختلف مواجه می‌شود. اجرای حقوق بشر مستلزم ارتباط نزدیک با مذهب و آموزه‌های دینی است.

۲- جوامع مذهبی در فرهنگهای مختلف در ایجاد جامعه مدنی نقش مهمی دارند و به عنوان منبعی برای انتقال مفاهیم حقوق بشر به جوامع ملی تلقی می‌شوند. مذهب بخشی از تاریخچه فرهنگ بشری را تشکیل می‌دهد. تمامی مذاهب نقش اساسی در ایجاد حقوق بشر داشته‌اند و این نقش را در ایجاد فرهنگ حقوق بشری و تحولات آینده خواهند داشت. در این مسیر، سازمان ملل و تمامی کسانی که نقش مذهب را در حقوق بشر قبول دارند سعی در رفع موانع موجود دارند. براساس پیدایش اسناد حقوق بشر، غرب خود را مالک معنوی حقوق بشرمی‌داند. اما براساس این نمودار همه مذاهب در شکل‌گیری

حقوق بشر نقش داشته‌اند، لذا کشورهای غربی نمی‌توانند حقوق بشر را در انحصارخود قرار دهند.

تاریخ جهانی شدن حقوق بشر



همه مذاهب، حقوق بشر را در صدر موضوعات قرار می‌دهند و در جریان گفتگوهای بین مذاهب نیز موضوع حقوق بشر جایگاه خاصی دارد. یکی از نکات مهم مذهبی در زمینه حقوق بشر توجه به کرامت انسانی است و اینکه چگونه حقوق بشر در زندگی روزمره مردم اجرا می‌شود. کوفی‌عنان دبیرکل سازمان ملل متحد در پنجاهمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در این باره تاکید کرد: «اصول مورد قبول و بیان شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ریشه‌ای عمیق وژرف در تاریخ بشریت داشته است که می‌توان تعالیم مذاهب و فرهنگهای بزرگ سنتی را در آن پیدا کرد».

یکی از مباحث مناقشه‌انگیز در زمینه رابطه مذهب و حقوق بشر مربوط به حقوق خانواده و حقوق زنان است که در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد و بحث آن در بررسی کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان قابل طرح است.

بازدید از مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت
(Islamic – Christian Study Centre)

در ساعت ۱/۳۰ بعد ازظهر عازم دیدار از مرکز مطالعات اسلام و مسیحیت شدیم و در دیدار با خانم Lissi Rasmussen کشیش مسؤول این مرکز با فعالیتهای این مرکز آشنا شدیم. او دارای دکترای گفتگوی بین مذاهب است و ۲۵ سال است که در زمینه اسلام و مسیحیت مطالعه کرده است.

این مرکز به عنوان یک نهاد غیر دولتی (NGO) اولین مرکز در دنیا برای یک کار مشترک برای بررسی روابط مسلمانان و مسیحیان بر مبنای برابر است و ۸ سال سابقه تأسیس دارد. مباحثی که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد به طور مشترک توسط مسلمانان و مسیحیان انجام می شود. در هیأت مدیره مؤسسه به رغم اقلیت بودن مسلمانان، به تعداد مساوی از مسلمانان و مسیحیان وجود دارد و همه احساس مالکیت می‌کنند. جمعیت مسلمانان دانمارک حدود ۲۰۰ هزار نفر (حدود ٤٪ کل جمعیت) است که بیشتر آنها از اهالی پاکستان و ترکیه هستند و تعدادی از اینها هم در دانمارک متولد شده‌اند. ۸۵٪ مسیحیان به کلیسای رسمی وابسته‌اند که فقط ۱۰٪ آنها به کلیسا می‌روند و به اعمال مذهبی خود پایبند هستند. این موضوع در خصوص مسلمانان بین ۱۵ تا ۲۰٪ است.

اقدامات تبلیغی در این مرکز ممنوع است. وی گفت مشکلات ما از مشکلات شما متفاوت است. مشکل اصلی ما ترسی

است که خصوصا در بین سالمندان از اسلام و مسلمانان وجود دارد. رسانه‌ها برخی فجایع و جنایات مثل قتل را به مسلمانان نسبت می‌دهند. مشکل دیگر این است که بعضی رهبران سیاسی ما در پشت پرده به ظاهر صالحی که جلوی خود می‌گیرند، به وضع قوانین علیه اسلام مبادرت می‌کنند و افکار عمومی را علیه مسلمانان تهییج می‌کنند تا گرایشات پوپولیستی خود را تأمین کنند. مشکل ما خشونت علنی نیست، بلکه اشتغال فکری مردم در اثر تصویری است که از اسلام برای آنها ایجاد شده و باعث افسردگی و انفعال مسلمانان نیز شده است. زیرا به رغم اینکه خود را دانمارکی می‌دانند، احساس می‌کنند هنوز به این عنوان پذیرفته نشده‌اند. به نظر ما فقط در مواجهه رودرروی مردم با یکدیگر است که این مشکلات حل خواهد شد. ما از شخصیتهای برجسته‌ای که نقش سخنگویی و روشنگری در این زمینه‌ها داشته باشند، محرومیم. لذا یکی از وظایف ما ترغیب افراد جوان برای ایفای این نقش در رسانه‌هاست. ما این هدف را در چند سطح پیگیری می‌کنیم:

۱ـ در سطح تحقیقات و مطالعات سعی می‌کنیم رشته اسلام شناسی را در دانشگاهها راه‌اندازی کنیم. مشکل ما در این زمینه نداشتن محقق و پیشوایان دین شناسی است. کسانی که به طور موردی حاضر می‌شوند به دلیل عدم آشنایی با فرهنگ دانمارک قادر به تأثیرگذاری نیستند.

۲ـ مشارکت در سمینارها، کنفرانسها و نشست های علمی.

۳ـ ارائه مشورتهای فردی و خانوادگی.

٤ـ چاپ یک خبرنامه و کتاب.

بودجه این مرکز در شش هفت سال اول تأسیس از طرف دولت تأمین می‌شد، ولی در حال حاضر این بودجه قطع شده است. در نتیجه ما نیز آزادی عمل بیشتری در نقد سیاستهای دولت در برخورد با مهاجرین پیدا کرده‌ایم. مامی‌خواستیم از کلیسا و مراکز مسلمانان کمک نگیریم، اما الآن خود را مجبور به این کار می‌دانیم.

نکته قابل توجه این است که اگر چه فعالیتهای این مرکز در جهت شناخت فرهنگ مذهبی و رعایت حقوق مسلمانان بسیار ارزشمند است، معهذا باید خاطرنشان کرد که راهبرد اصلی مرکز در تبعیت از روند سکولار جامعه دانمارک است؛ نه در جهت طرح مباحث ایدئولوژیک و اقناع طرفین یا نزدیک کردن مواضع ایدئولوژیک. اصولا هدف مرکز ادغام اقلیتهای مسلمان در جامعه دانمارک و شناخت متقابل ایشان از جامعه مسیحی دانمارک است.

آزادی بیان (Freedom of Expression)

روز پنجشنبه اول ژولای با ارائه بحث آزادی بیان توسط خانم Metto Holm شروع شد. وی در بحث خود به بررسی ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی سیاسی که مستند حق دسترسی افراد به اطلاعات است، پرداخت. گزیده اظهارات وی به شرح زیر است:

آزادی اطلاعات برای این است که مردم از طریق تبادل آرا به پیشرفت جامعه کمک کنند، ولی خیلی سریع نمی‌توان گفت که این توسعه خوب است یا بد.

آزادی بیان تا جایی مقبول است که آبروی افراد از بین نرود. داشتن عقیده به عنوان یک رفتار منفعل تلقی می‌شود، ولی وقتی این عقیده بیان می‌شود، ممکن است با حقوق دیگران در تعارض قرار گیرد. افراد حق دارند دیدگاههای خود را شکل بدهند و به دنبال اطلاعات بروند . البته نباید افراد شستشوی مغزی شوند. ممیز دریافت اطلاعات از شستشوی مغزی این است که آیا دریافت اطلاعات آزادانه صورت می‌گیرد یا نه؟ هر چند معیار مشخصی برای این موضوع مورد توافق قرار نگرفته است. در مورد تبلیغات ادیان چون اصل بر آزادی قبول یا عدم قبول نظرات آنهاست تا جایی که منجر به شستشوی مغزی نشود، با موازین حقوق بشر در تعارض نیست.

وی گفت هدف ما ایجاد ظرفیت در زمینه ارتقای حقوق بشر در داخل و خارج کشور است، ولی در پاسخ به ایراداتی که از روش

مطبوعات دانمارک به او تذکر داده شد پذیرفت که مطبوعات دانمارک روش نژاد ستیزی دارند و از جمله اسلام ستیز هستند. هر چند مدعی بود، در مورد فلسطین و اسرائیل حساسیت داریم و اقدامات زیادی در حمایت از مردم فلسطین داشتیم تا جایی که مردم اگر بدانند کالای خاصی محصول اسرائیل است آنرا تحریم می‌کنند. موارد زیادی در دنیا وجود دارد که دسترسی به اطلاعات محدود شده است. برای نمونه در چین برای ٦٥ نوع از جرائم، مجازات اعدام پیش‌بینی شده است که این موضوع مورد انتقاد شدید قرار گرفته است و مجاری قانونگذاری هم در صدد تقلیل آن هستند.

بازدید از وزارت مهاجرت

ساعت ۱/۳۰ برای دیدار از وزارت مهاجرت دانمارک عازم شدیم. در دیدار با مدیر بخش یکپارچه‌سازی این وزارت که یک وکیل بود با فعالیت این وزارتخانه آشنا شدیم. در توضیحاتی که ایشان داد هدف از تشکیل وزارتخانه و روشهای اجرایی را کمک به مهاجرین در جهت جذب به درون جامعه دانمارک عنوان کرد؛ لیکن مشخص بود که در عین حال هدف کنترل بیشتر مهاجرین هم مورد نظر بوده است. وظیفه این وزارت، تعیین خط‌مشی‌ها و سیاستها در زمینه مهاجرت و نیز یکپارچه‌سازی مهاجرین و عدم اعمال تبعیض در مورد آنها است. تا سال ۲۰۰۱ این وظیفه بر عهده وزارت کشور بوده، ولی با تشکیل این وزارت کلیه اختیارات وزارت کشور و سایر مؤسسات و نهادها در این زمینه به وزارت جدید محول شده است. دلیل آن هم این نکته است که در اواخر دهۀ ۹۰ ضرورت توجه یکپارچه به موضوع مهاجران به صورت جدی مطرح شده است. روند مهاجرت در دهۀ ٦۰ و ۷۰ بیشتر تابعی از بازار آزاد بوده و به نظر رسیده این پدیده موقت باشد و مهاجرین بعد از مدتی به وطن خود باز می‌گردند، ولی عملا چنین نشده و مشخص شده که پدیده مهاجرت یک پدیده ماندگار و دائمی است و لذا تصمیم گرفته شده این موضوع در یک وزارتخانه مستقل پیگیری شود. مجموعه اقدامات و تدابیر منجر به تصویب قانون یکپارچه‌سازی در سال ۱۹۹۹ شده است. هدف اصلی این قانون کسب اطمینان از امکان مشارکت

مهاجرین در فعالیتهای اجتماعی دانمارک است و تنها نسبت به مهاجرین رسمی که تازه به دانمارک وارد شده‌اند، اجرا می‌شود. مسؤولیت عمده راجع به آموزش ابتدایی مهاجرین جهت آشنایی با زبان دانمارکی، آموزش فلسفه جاری در زندگی روزمره دانمارک بر عهده شهرداریهاست. میزان حضور پناهندگان در مناطق مختلف هم به توافق شهرداریها و مقامات محلی بستگی دارد. وقتی پناهنده به شهرداری منطقه‌ای معرفی می‌شود، آن مرکز مؤظف است مسکن لازم را برای پناهنده مهیا کند. اثر سیاست یکپارچه‌سازی در حضور جامعه مهاجرین در فعالیتهای اجتماعی بسیار ضعیف بوده است، لذا مهمترین هدف جدید این وزارتخانه، یکپارچه‌سازی در زمینه بازارکار است تا به طور اتوماتیک مهاجر در سایر فعالتیهای اجتماعی نیز وارد شود. اگر مهاجرین مورد تبعیض قرار گیرند می‌توانند مستقیما به دادگاه مراجعه کنند یا به مؤسسه حقوق بشر مراجعه کنند و آنها مؤظف به کمک به او هستند.

موضوع دیگر پس از آموزش مهاجرین با برنامه‌های یکپارچه سازی، بحث مسکن مهاجرین است که آنها در همه مناطق توزیع شوند و از شهرداری‌ها خانه دریافت کنند تا در یکجا بیش از حد تجمع نکنند.

آخرین بحث هم تأسیس شورای یکپارچه سازی محلی از شهرداریها است تا دربارهٔ امور مهاجرین تصمیم بگیرند.

بازدید از اتحادیه صنفی روزنامه‌نگاران
(Danish Union of Journalists)

در ساعت ۱/۳۰ بعد از ظهر در دیدار از اتحادیه صنفی روزنامه‌نگاران با فعالیتها ی آنها آشنا شدیم. این اتحادیه ۹۸٪ از روزنامه‌نگاران دانمارک را تحت پوشش قرار داده است و دارای استقلال است و منابع مالی را از طریق حق عضویت تأمین می‌کند. مدیریت سیاسی انجمن جدا از مدیریت اجرائی آن است. در بخش اجرایی، مدیر عامل و معاون او قرار دارد. ۱۲۵۰۰ نفر عضو اتحادیه هستند. در بخش مدیریت سیاسی، کنگره و کمیته اجرائی و شورا و هیأت امنا قرار دارند. در کنار این انجمن، مجله‌ای توسط اعضای انجمن منتشر می‌شود که دارای شخصیت مستقل است و هیچ ارتباطی با بخش سیاسی و اجرائی اتحادیه ندارد. تنها بخش سیاسی می‌تواند مدیر مسؤول مجله را استخدام یا اخراج کند. در بسیاری از موارد این مجله، سیاستها و عملکرد اتحادیه را نقد می‌کند، به نحوی که گفته می‌شود اتحادیه پول می‌دهد تا به او سیلی بزنند.

علاوه بر کارکنان رسانه‌ها، کاریکاتوریستها، مدیران انتشاراتی‌ها، عکاسان، گرافیستها و مسؤلان روابط عمومی‌های سازمانها نیز عضو این اتحادیه هستند. در دانمارک با جمعیت ۵/۲۰۰/۰۰۰ نفر، ٤٠ روزنامه منتشر می‌شود که ظرف ۲۵ سال گذشته به دلیل گسترش اینترنت از ٦٠ فقره به این تعداد کاهش یافته است. همچنین بین ٦٠٠ تا ۸۰۰ نشریه در دانمارک منتشر می‌شود. وظیفه

عمده اتحادیه عبارت است از: ۱- ارائه مشاوره به اعضا ۲- مذاکره دسته جمعی کار ۳- لابیهای سیاسی با حکومت یا علیه آن. ٤. ارائه خدمات به اعضاء از جمله آموزش و ایجاد مهارت.

در قانون اساسی دانمارک بر آزادی بیان تأکید شده است، در عین حال هرکس سخنی می‌گوید باید پیامدهای آنرا هم تحمل کنند، لذا اگر بیان او موجب ضرر دیگری شود باید عواقب آن و رفتن به دادگاه را تحمل کند. در قانون اساسی، سانسور به طور کلی منع شده و هیچ سازمان دولتی قبل از چاپ نمی‌تواند مطالب را مورد بررسی قرار دهد. البته قانون اساسی ضعیف است و به اندازه‌ای قوی نیست که بتواند از آزادی بیان حمایت کند. قانون اساسی قدیمی است و مردم توقع بیشتری دارند، زیرا دانمارک عضو اتحادیه اروپایی حقوق بشر است.

در دانمارک قانون رسانه‌ها وجود دارد و حدود مسؤولیت رسانه‌ها را مشخص کرده است. این قانون حوزه وسیعی که قانون جزا در زمینه مسؤولیت کیفری تعیین کرده را محدود کرده است. در اینگونه موارد فقط مدیر مسؤول و نویسنده مسؤولیت دارند. اصل بر مسؤولیت نویسنده است و تنها وقتی نویسنده با استفاده از اسم مستعار هویت خود را پنهان می‌کند، یا مدیر مسؤول به او چنین اجازه‌ای داده باشد، او مسوول است. مجازات اصحاب مطبوعات ۱ ماه تا ٦ ماه حبس و یا جبران خسارت نقدی است و بسته شدن مطبوعات از مصادیق ضمانت اجرای کیفری نیست. انتشار مطبوعات احتیاج به مجوز ندارد، زیرا انتشار مطبوعه کار هر کسی نیست و به

دلیل مشکلات آن هرکسی نمی‌تواند وارد این کار شود. اما تأسیس رادیو و تلویزیون نیاز به اخذ مجوز دارد. دادگاه خاصی برای مطبوعات وجود ندارد و آئین دادرسی خاصی هم ندارد، زیرا در همه محاکم دانمارک هیأت منصفه وجود دارد.

مطبوعات باید مصالح کلی مملکت و مسائل امنیتی کشور را رعایت کنند و اگر اسنادی راجع به مصالح عمومی تحصیل کنند که فکر می‌کنند انتشار آنها به نفع جامعه است اگر شکایتی مطرح شود دادگاه باید تشخیص دهد که این کار به نفع جامعه بوده یا نه؟قوانین حاکم بر اخلاق مطبوعاتی امری نیست که در پارلمان تصویب شود، بلکه موضوعی است که در طول سالها در این حوزه ایجاد می‌شود. در دانمارک اگر روزنامه‌ای حکومت و سیاستهای آنرا مورد نقد قرار دهد، تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد.

حقوق بشر و ضابطین قانونی (Law Enforcement and Human Rights)

روز دوازدهم با ارائه بحث حقوق بشر و ضابطین قانونی توسط آقای Paul Dalton,L.L.M در ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر ادامه یافت. گزیده مباحث مطروحه بشرح زیر بود:

۱- تضمینات افراد بازداشت شده در مراکز نگاهداری (Safe Guards in Custody)

۲- شرایط محیط بازداشت (Conditions of Detention)

۳ـ شکنجه(Torture) و سایر رفتارهای ممنوعه

اسناد بین‌المللی ناظر بر تضمینات افراد بازداشتی عبارتند از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR-۱۹٦٦)، کنوانسیون ملل متحد در مورد منع شکنجه (UNCAT- ۱۹۸٤)، مقررات حداقل استاندارد رفتار با زندانیان (SMR-۱۹۵۵)، مقررات حداقل استاندارد دادرسی اطفال (۱۹۸۵)، اصول بازداشت (۱۹۸۸)، اصول اساسی رفتار با زندانیان (BPTP-۱۹۹۰) اعلامیه حمایت از همه اشخاص در مقابل ناپدید شدن اجباری (DPPED- ۱۹۹۲). لزوم اجرای دقیق اماره برائت (Presumption of innocence) و تفسیر مضیق اختیارات مربوط به بازداشت افراد و لزوم رسیدگی قضایی و حضور متهمین در دادگاه، منع حبس انفرادی برای دسترسی متهم به دیگران برای نظارت و پیگیری بر کار دادگاه و انعکاس سوء

رفتار با متهم، از نکات مهمی است که در این بخش بـه آن پرداختـه شده است.

اصول اساسی راجع به منع شکنجه درماده ۵ اعلامیه جهـانی بشر و ماده ۷ میثاق بین المللـی حقـوق مـدنی سیاسـی آمـده اسـت. براساس کنوانـسیون ژنـو (۱۹٤۹) شـکنجه جـرم بـین‌المللـی اسـت. همچنین در ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR-۱۹۵۰) و مـاده ۵ کنوانـسیون آمریکـائی حقـوق بـشر (ACHR-۱۹۵۰) و کنوانسیون منع شکنجه سازمان ملل (UNCAT۱۹۸٤)، اعلامیه منـع شکنجه (۱۹۷۵) احکامی در مورد منع شکنجه آمده است. کنونـسیون اروپایی منع شکنجه، کمیته‌ای را مسوول نظارت بر منع شکنجه کـرده تا به کشورهای عضو در جهت تعهدات مندرج در ماده ۳ کنوانـسیون کمک کند. تصویب ایـن کنوانـسیون بـرای ٤٤ عـضو اتحادیـه اروپـا اجباری است. در اجرای ماده ۱۹ کنوانسیون، کمیته مـی‌توانـد در هـر زمانی از مکانهایی که آزادی افراد محدود شده، دیدار کنـد تـا احـراز کند شکنجه یا آزار و اذیت بـدنی واقـع شـده یـا نـه و همچنـین بـا دولتهای عضو در این زمینه همکاری کند.

اصـول تـضمینات افـراد بازداشـتی عبارتـست از: ۱ــ فـرد بازداشتی حق دارد خانواده یا بستگانش را به انتخاب خود مطلع کند. ۲ـ حق دسترسی به وکیل (مشاور حقوقی در تمام دوران بازداشت و وکلای تسخیری برای کـسانی کـه توانـایی مـالی ندارنـد). ۳ــ حـق دسترسی به معاینات پزشکی به وسیله پزشک منتخب خود بیـرون از دستگاه پلیس و توسط پزشکان بی‌طرف. ٤ـ امکـان آگـاهی مـتهم از

حقوق خود به زبان قابل فهم. اجرای این حقوق باید از همان لحظه اول بازداشت در اختیار او باشد و پلیس موظف به اجرای آن است و باید به زبان ساده گفته شود نه فنی ۵ـ امکان بازدید سرزده از بازداشتگاه ٦ـ حق اعتراض فرد بازداشت شده به مبانی قانونی بازداشت خود.

هر یک از این حقوق ممکن است در کشورهای مختلف در شرایط اضطراری با استثنا آتی مواجه شود، لیکن حق حیات، حق اعتراض به بازداشت، حق منع اعمال شکنجه قابل استثنا شدن نیستند. زیرا هدف از زندان، سلب آزادی شخص است و لذا بقیه حقوق او باید رعایت شود. امروز شکنجه یکی از مصادیق جرائم بین‌المللی شناخته شده است. بنابه ماهیت جهان شمول جرم شکنجه، مرتکبین آن می‌توانند در هر دادگاه محلی محاکمه شوند.

البته تضمینات دیگری هم در دادرسی هست مثل ثبت رفت و آمد افراد در بازداشتگاه، انتشار دستورالعمل بازجویی، ثبت الکترونیکی و نظارت بر بازجویی های پلیس و اینکه هیچ بازداشتی محرمانه نباشد.

اداره زندان و امور قضایی جوانان
(Prison Regulations and Juvenile Justice)

آخرین روز کاری در کپنهاک (۲ ژولای) با ارائه مطلبی تحت عنوان اداره زندان و امور قضایی جوانان توسط پروفسور Joern Vestergaardاستاد دانشگاه کپنهاک شروع شد. ایشان که قبلا به ایران آمده بود از دیدارش از مرکز اصلاح و تربیت تهران اظهار خوشحالی کرد و از اداره این مرکز تمجید کرد و اما گزیده مطالب مطروحه ایشان بدین شرح بود:

استانداردهای حداقلی سازمان ملل برای اداره زندانهای جوانان (The Beijing Rules) عبارتند از:

۱ـ واکنش نه تنها باید همیشه با شرایط و شدت جرم متناسب باشد، بلکه باید با ملاحظه شرایط و نیازهای جوانان و نیز نیازهای جامعه باشد. ۲ـ مجازات سالب آزادی جوانان باید به حداقل برسد و پس از ملاحظات دقیق اعمال شود. ۳ـ اعمال مجازات سالب آزادی برای جوانان تنها باید در مورد اقدامات خشونت آمیز علیه دیگران یا تکرار جرائم شدید باشد ٤ـ در بررسی امور مربوط به جوانان بزهکار، باید رفاه آنها مورد توجه قرار گیرد.

چالشهای این حوزه عبارتست از: ۱ـ اعمال مجازات برای بازپروری شخص به جای انتقام‌جوئی. ۲ـ حمایت و کمک در برابر فشار (سرکوب) و مجازات. ۳ـ واکنش بر اساس شایستگی‌های فردی مورد خاص در برابر واکنش بر اساس حمایت جامعه در کل. ٤ـ

بازدارندگی عمومی در مقابل ایزوله کردن از جامعه در خیلی از حوزه‌ها هنوز پاسخ مشخص در مورد برخورد با نوجوانان بزهکار نداریم، ولی اصول پکن نقاط شروع اقدامات را در این زمینه برای ما مشخص کرده است. به رغم اینکه تئوری انتقام و مجازات در مقابل بزهکاران می‌تواند توجیه‌پذیر باشد، ولی این تئوری در مقابل نوجوانان باید فراموش شود. اصول پکن موضوع مجازات نهادینه شده را از ردیف رفتارهایی که با جوانان اعمال می‌شود، خارج می‌کند. نتیجه تحقیقات جرم شناسان نشان می دهد که بسیاری از اقدامات تنبیهی نسبت به جوانان تأثیر ندارد و یا برعکس تأثیر منفی و مخرب دارد. در عین حال برای رسیدن به اهداف، راههایی وجود دارد. اگر مجموعه جرائم ارتکابی را در نظر بگیریم، اعمال مجازات بدون ملاحظه خصوصیات و شرایط جوان، فقط تا حدود ۱۰٪ موجب کاهش جرم می‌شود. در اعمال مجازات نوجوانان بزهکار، اقدامات باید در جهت اصلاح فرد باشد تا از ارتکاب مجدد جرم در آینده بازداشته شود. برای اجرای برنامه‌های اصلاحی برای نوجوانان بزهکار توصیه‌های متعددی شده است. از جمله اینکه مجازات نباید محور کار باشد. نوجوان هنوز در مرحله رشد قرار دارد و نمی‌توان او را به لحاظ مسؤولیت کیفری، همانند بزرگسالان به حساب آورد. بعلاوه تنبیه و مجازات تأثیر مثبتی در جلوگیری از تکرار جرم ندارد. وقتی فردی را در معرض مجازات قرار می‌دهیم باید اصول حقوق بشر در این زمینه یعنی تناسب جرم و مجازات و اجرای صحیح مجازات را مد نظر قرار دهیم. سرایت جرم در مراکز زیاد است و خطر آن بالا

است. فرار از مراکز نگاهداری یا نیمه کاره رها کردن اقدامات، اثر آن را از بین می‌برد. بسیاری از جوانان وقتی آنها را در یک مرکز نگاهداری می‌کنیم بیشتر ضد اجتماعی می شوند.

تحقیقات مربوطه نشان می‌دهد که وقتی با جوانان زیاد خطرناک روبرو نیستیم، نباید اقدامات شدید بکار ببریم. معیارهایی برای تشخیص میزان خطرناک بودن وجود دارد مثل سابقه و گذشتهٔ او، دفعات بازداشت و تعداد محکومیت. همچنین وضع فعلی جوان، وضعیت خانوادگی و وضعیت اشتغال او. به علاوه هر مورد خاص را باید جداگانه لحاظ کنیم و راه برخورد خاص را انتخاب کنیم.در آخر اینکه روشها باید پاسخگوی مسائل باشد و با متغیرهای شناخت و درمان هماهنگ باشد و روش‌ها ساختار داشته باشند.

توصیه‌هایی که می شود عبارتند از:

۱- مجازات نباید اساس کار باشد چون فرد هنوز در مرحلهٔ نوجوانی یا جوانی است.

۲- باید از نگاهداریش در مراکز و نهادهای خاص اجتناب شود مگر راه دیگری نباشد؛ در این صورت باید این مدت کوتاه بین ٤ تا ٦ ماه باشد.

۳- مشکلات ذهنی فرد باید مشخص شود و برای حل آن اقدام شود.

٤- برنامه کار باید از لحاظ نظری دارای ساختار باشد.

٥- اجرا کنندگان برنامه اصلاح باید خود صلاحیت حرفه ای داشته باشند و به هدف معتقد باشند و وقت داشته باشند.

٦- باید به جوانان کارهایی سپرد تا انجام دهند این کارها باید قاطعانه خواسته شوند و منصفانه باشند.

۷- باید خانواده و مدرسه و اجتماع هم درگیر شوند تا ببینیم که فرد اگر با خانواده و مدرسه مشکل دارد چه مشکلی است و چگونه قابل حل است.

۸- صرف اجرای برنامه کافی نیست و باید نتایج ارزیابی شوند.

بازدید از زندان وسترکپنهاک (Vestre Prison)

آخرین برنامه گروه بازدید از زندان قدیمی کپنهاک بود که در ساعت ۱ روز جمعه ۸۳/٤/۱۲ صورت گرفت. در کپنهاک ٤ زندان وجود دارد که این زندان بزرگترین آنهاست. کل زندانیان دانمارک ۳۵۰۰ نفر است که در زندانهای کشور پخش هستند. زندانیان این زندان عمدتا بازداشتی هستند و محکومین بسیار کم هستند و در زندانهای دیگر نگهداری می‌شوند؛ لذا ورود و خروج زندانیان در این مرکز در سال به حدود شش هزار نفر می‌رسد که بعضی چند روز و بعضی هم یکسال در اینجا حضور دارند.

زندان مذکور ٤۵۰ نفر ظرفیت داشت. ۸۰۰ نفر کارمند دارد که ۵۵۰ نفر آنها نیروی انتظامی محافظ و بقیه کادر اداری، معلم و کشیش و غیره هستند. برای هر زندانی یک اتاق با ۸ متر مربع مساحت و امکانات مناسب (از جمله تلویزیون، ضبط صوت، ...) اختصاص داده شده است. در هنگام بازدید براساس مقررات زندان بدون اجازه زندانی نمی‌توانستیم از اتاق او بازدید کنیم. نکته جالب توجه اینکه بیش از ۵۰٪ نگهبانان زندانی، زن هستند، حتی برای مردان زندانی هم نگهبان زن گمارده شده است، منتها هنگام بازرسی بدنی به تفکیک عمل می‌شود و خانمها فقط از زندانیان زن بازرسی بدنی می‌کنند.

دسترسی به همه روزنامه‌ها در زندان ممکن است و اگر کسی روزنامه یا مجله خاصی را مطالبه کند، برایش فراهم می‌کنند.

ساختمان مرکزی زندان چهار طبقه است که بخشهای مختلف دارد. اتاق ویژه‌ای برای ملاقات با خانواده و وکیل و دوستان وجود دارد و اتاق زناشویی هم پیش‌بینی شده که زن و شوهر می‌توانند در آنجا تنهایی ملاقات کنند. زندانیانی که دانشجو یا دانش‌آموز هستند می‌توانند برای حضور در کلاسهای خود از زندان خارج شوند و پس از آن به زندان برگردند به شرط اینکه محکومیت آنها بالاتر از ۵ سال نباشد و ده هفته از زندانی آنها گذشته باشد. برای استفاده از این حق تودیع هیچ وثیقه‌ای لازم نیست. غذاهای زندانیان مشخص است و کسانی که گوشت حلال استفاده می‌کنند یا رژیم غذایی خاصی دارند دارای برنامه ویژه خود هستند. بعضی از زندانیان که علاقمند به سلولهای انفرادی هستند در بخش خاصی نگه داری می‌شوند. علاوه بر یک اتاق رادیولوژی، ۲۶ پرستار تمام وقت و چند پزشک عمومی و یک پزشک متخصص در زندان حضور دارند که به وضعیت پزشکی زندانیان رسیدگی می‌کنند. یک بیمارستان مجهز و مستقل نیز در شهر کپنهاک برای کلیه زندانیان در دانمارک وجود دارد.

۸ معلم تمام وقت و ۱۴ معلم نیمه وقت ۱۰۰ نفر از زندانیان دانش‌آموز را در سه سطح آموزش می‌دهند. حضور در این کلاسها داوطلبانه است و منجر به ارائه مدرک نمی‌شود، لیکن کمک مالی دریافت می‌کنند و لذا موجب علاقمندی آنها به این بخش شده است. یک کلیسا با سه کشیش در زندان وجود دارد که علاوه بر مراسم مذهبی، مراسم ازدواج هم در آنجا صورت می‌گیرد. یکی از مسؤولین

می‌گوید هدف سیستم قضایی کاهش ارتکاب جرم است، ولی از طریق زندان امکان پذیر نیست.

برای درمان معتادین به مواد مخدر سه روش در این زندان اعمال می‌شود:

۱ـ پروژه انسانی که از سیستم خانواده‌های ایتالیایی اخذ شده است. چون به نظر آنها در درمان مواد مخدر همه اعضای خانواده باید نقش ایفا کنند. این برنامه فعلا در مورد زندانیان زن اجرا می‌شود.

۲ـ برنامهٔ مینی‌سوتا* که ۱۱ مرحله دارد و برای معتادانی است که به مدت طولانی مواد مخدر استفاده کرده‌اند.

۳ـ صحبت کردن راجع به جرم و مجرمیت. این برنامه یک نظریهٔ سوئدی است که توسط سازمانهای غیر دولتی ارائه شده است. این برنامه (بازگشت زندانیان به جامعه) نامیده می‌شود.

آپارتمانهایی در بخشی از کپنهاک وجود دارد که تا زمانی که معتاد از مواد مخدر استفاده نمی‌کند می‌تواند در آنجا زندگی کند. مشاورین مواد مخدر در زندان از معتادین قدیمی هستند که به زندگی عادی بازگشته‌اند. به نظر آنها کاهش جرم و جنایت دو شرط دارد: اول، اجرای حکم محکومیت. دوم، اجرای برنامه درمانی.

حقوق تضمینی زندانیان عبارتند از: حق استراحت، کار، آموزش، خدمات تأمین اجتماعی، خدمات درمانی و استفاده از اوقات فراغت.

---

* نام محلی در دانمارک است.

اتمام دوره

پس از پایان دوره آموزشی جلسه ای ویژه ارزیابی دوره برگزار شد که ضمن جلسه مزبور شرکت کنندگان ارزیابی مورد به مورد برنامه ها را تدوین و به صورت یک گزارش انگلیسی ارائه کردند سپس گواهی شرکت در برنامه به اعضای هیات اعطا شد و پس از آن برنامه مراسم شام رسمی به افتخار اعضای هیات ایرانی و با حضور تعدادی از محققین و همکاران مرکز ملی حقوق بشر دانمارک برگزار شد و ساعاتی بعد هیئت اعزامی مسیر برگشت به کشور خود را آغاز کرد با این امید که نقش خود را به درستی و عزتمندانه ایفاء کرده باشد.

در مجموع سفر دو هفته ای هیات به لحاظ علمی بسیار مفید بود و اعضای هیات به اقتضای تخصص های مختلفی که داشتند از مباحث علمی ارائه شده و نیز بازدید از مراکز مختلف بهره برداری کردند که امید است در نظر و عمل بعدی برای پیشبرد حقوق انسانی مورد استفاده قرار گیرد.



هیئت اعزامی در بازدید از پارلمان دانمارک

*** مجموعه کتب مربوط به مباحث اجلاسها و همایشهایي که تـاکنون کمیـسیون برگزار کرده است ، به لطف الهي و با جذب کمک و همیاري مردمي در چهـار محور زیر بتدریج منتشر مي شوند :**

۱ . **اجلاسهاي ترویجي عمومي** که در مناسبت هاي مختلف برگزار و مباحث فني و تخصصي در آنها مطرح گردیده است.

۲ . **اجلاسهاي کاربردي داخلي** که ویژه مدافعین حقوق بشر براي ارتقاء توانمندي ها و فعالیتهاي عملي در روند پیشبرد حقوق بشر برگزار شده است .

۳ . **اجلاسهاي علمي پژوهشي داخلي** که بصورت ادواري در قالب نشست هـاي تخصصي هم اندیشي علمي یا همایشهاي حول موضوعات مشخص در تهران یا استانها و با حضور صاحبنظران حقوقي برگزار شده است .

٤ . **اجلاسهاي همکاري هاي فراملي** که بصورت مشترک با سازمانهاي تخصـصي حقوقي کشورهاي دیگر در ایران یا کشورهاي دیگر برگزار گردیده است .

Iranian Islamic Human Rights Commission

Human Rights ;

The Concern of All People

A Survey of Human Rights Course in Denmark



ISBN 978-964-2887-07-1

By :

Mohammad Jafar Habib Zadeh